

کدام کمدی‌ها در جشنواره فجر درخشیدند

دوران اوج دهه ۶۰ و افول در دهه ۹۰

صفحه ۳۲

گفت‌وگو با بهروز شعبانی کارگردان «روز نوا»

تنوع ژانر رادوست داریم

صفحه ۱۹

گفت‌وگو با حمیدرضا قربانی کارگردان «مغز استخوان»

روایت‌گر واقعیت‌های اجتماع هشتم

صفحه ۱۷

فجرنامه

بولتن مجازی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر
شماره یازدهم، چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۸

پیمان قاسم‌زانی:
فیلم‌های جدی‌ام در راه‌اند
شرح در صفحه ۲۳



پژمان جمشیدی از تجربه بازی در «خوب بد جلف ۲» می‌گوید

بازی کمدی راه رفتن بر لبه تیغ است



شناسنامه

نشیوه‌ی وی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

مدیرمسئول: ایرادیم داوودزاده

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)

سرریویو: سیمه علیپور

نگارگر: تحریریه: نازا پیکتاریان، پریسا ساسانی، زهرا نجفی، آرزو باقله، ناز و فاطمه

محسنی

بانشیاز: فاطمه استنبر، علی افشار، سرور رضا صابانی و مهیلا علیپور

مدیر هنر: علی شکور

ویراستار: شاپور احمدی ظاهر

دبیر علمی: محمد حسن صمدی

گرافیک: زینب فلاح، مهدی منتاصری، و هژدانه انصاری

عکس: معین باقری، مهلا بیانی، سحر مصداق، سامان نظورطلب، مهیار

صلح زاده، سحر لطیفی و صبا آفران

فهرست

۳ سرفه‌ها به قلم ایلنا محمدرضا نیا

۴ خبرها

۶ نشست خبری فیلم «آن قرب»

۸ نشست خبری «درخت لرو»

۱۷ نشست خبری فیلم «روزهای»

۱۴ معرفی فیلم‌های روز چهارشنبه، روز پنجشنبه، روز شنبه، روز یکشنبه

۱۷ گفتگو با مهدی احمدی، کارگردان «مغز استخوان»

۱۹ گفتگو با محمود رشیدی، کارگردان «روزهای»

۲۳ گفتگو با ایمان قاسمی، کارگردان «خوب بد جلف ۲: ایش سون»

۲۵ گفتگو با ایمان کشیدی، بازیگر «خوب بد جلف ۲: ایش سون»

۲۶ گفتگو با محسن جعفری، تهیه‌کننده «خوب بد جلف ۲: ایش سون»

۲۸ مستند «عالم‌جنتاب» به روایت سجاد ایمانی، کارگردان

۲۹ فیلم کوتاه «عزیزه» به روایت سید محمدی موسوی، کارگردان

۳۰ گفتگو با آریک گدلی، تهیه‌کننده فیلم «خوب بد جلف ۲: ایش سون»

۳۲ گرام گدلی، هاد جشنواره فجر درخشیدند

۳۴ گزارش تصویری



◀ ایلیا محمدی نیا

راه سخت حفظ سینمای کمدی سالم

از آخرین باری که یک اثر کمدی در جشنواره فیلم فجر مورد توجه هیئت داوران قرار گرفت، شش سال می‌گذرد. درست در سی و دومین دوره جشنواره فیلم فجر بود که فیلم «آدر، شه‌خت، پرویز و دیگران» به کارگردانی بهروز افخمی، دو سیمرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه را از آن خود کرد. پس از این دوره هیچ فیلم کمدی دیگری چنین موفقیتی را به دست نیاورد.



مروری بر برگزاری ۳۸ دوره جشنواره فیلم فجر نشان می‌دهد هر زمان فیلم کمدی خوبی تولید و در جشنواره حضور داشته، با اقبال هم‌زمان و درخور توجه تماشاگران جشنواره و هیئت داوران آن مواجه بوده است. در دهه ۶۰ حجم تولید آثار کمدی آمار چندانی بالایی را نشان نمی‌دهد، اما سهم موفقیت‌های سازندگان با همین تعداد آثار تولیدی در کسب جوایز جشنواره فیلم فجر رقم بالایی را نشان می‌دهد.

علیرضا داوودنژاد با فیلم «جایزه» در دوره دوم موفق به دریافت جایزه بهترین فیلمنامه شد. پدالته صمدی در دوره‌های سوم و چهارم جشنواره با دو فیلم «مردی که زیاد می‌دانست» و «اتوبوس» جوایزی چون بهترین کارگردانی، بهترین فیلم و لوح زرین بهترین بازیگر مرد و جایزه ویژه هیئت داوران را کسب کرد.

در سال‌های بعد هم داریوش مهرجویی با «آجاره‌نشین‌ها»، ابراهیم وحیدزاده با «تحفه‌ها»، رخشان بنی‌اعتماد با «ازدقناری» و... جوایزی را از جشنواره فجر با آثار کمدی خود به دست آوردند.

در سال‌های اخیر برخلاف افزایش تولید در همین بخش که نام کمدی را با خود پیک می‌کشیدند و به حتم هر ساله بخش زیادی از آن‌ها متقاضی حضور در جشنواره بودند، راهی به آن نیافتند، هر چند بعضی از این آثار در اکران عمومی با فروش بالایی همراه شدند.

مشکل کجاست؟ آیا هیئت انتخاب فیلم‌های جشنواره و سلیقه و نگاه مدیران جشنواره تغییر کرده؟ یا میزان تولید آثار این حوزه سیر نزولی را نشان می‌دهد؟ باید گفت هیچ‌کدام، مشکل سطح کیفی آثاری است که در بسیاری از موارد از حداقل‌های استاندارد یک اثر کمدی قابل عرضه به جشنواره و رقابت با سایر فیلم‌های بهره‌هستند.

به نظر می‌رسد تنها راه برون‌رفت از این بحران فراگیر، حمایت دولت و نهادهای حاکمیتی در زمینه تولید فیلم‌های کمدی با استاندارد از کارگردانان و تهیه‌کنندگان خلاق و آشنا با مقوله و حوزه سینمای کمدی است؛ راهی سخت و دشوار اما به حتم امکان‌پذیر.

کوتاه از اخبار روز چهارم

روز پرخبر جشنواره سی و هشتم

چهارمین روز سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر تحت تاثیر فیلم «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان فضای اشک‌آلودی داشت. این فیلم درباره بمباران شیمیایی سردشت بود و مخاطبان را تحت تاثیر قرار داد. نشست خبری این فیلم هم با حضور مه‌رمان مدیری و صحبت‌های پیمان معادی در شبکه‌های اجتماعی حسابی مورد توجه قرار گرفت. فیلم «آن شب» فیلمی ایرانی ساخته شده در آمریکا بود که حال و هوای فیلم‌های ژانر وحشت هالیوودی را داشت و در فیلم «دوزیست» بازی هادی حجازی فر مورد تحسین قرار گرفت. در این روز حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، برای اولین بار به سینمای رسانه آمد و از فضای جشنواره بازدید کرد. بالاخره فیلم «خورشید» مجید مجیدی به جشنواره رسید و از پنجمین روز طبق برنامه به نمایش درخواهد آمد. سه فیلم «شنای پروانه»، «درخت گردو» و «روز صفر» هم در روز چهارم به سانس‌های فوق‌العاده رسیدند.

حسین انتظامی: فضای گرمی بر جشنواره فجر سی و هشتم حاکم است

حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی کشور، عصر روز سه‌شنبه، ۱۵ بهمن‌ماه، در سینمای رسانه حضور یافت و در جمع خبرنگاران گفت: «خوش‌بختانه امسال استقبال مردم از سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر خوب و فضای گرمی بر جشنواره حاکم است. در سینمای رسانه نیز با حضور فیلم‌سازان و عوامل فیلم‌ها و با همت رسانه‌ها دسترنج سینماگران بهتر ارائه می‌شود و به آن‌ها کمک می‌کند ارتباط بهتری با مردم داشته باشند.»

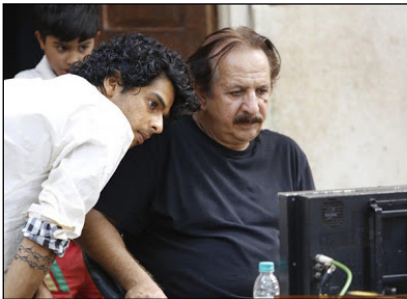
او با اشاره به فضای نشست‌های پرسش و پاسخ توضیح داد: «فضای پردیس سینمایی ملت محدود است و هم‌چنین زمان محدودی نیز برای برگزاری نشست‌ها وجود دارد. با وجود این موارد و ضمن توجه به ریتم جلسه، تلاش شده زمینه‌ای ایجاد شود تا بیشتر سوالات مطرح شود و خبرنگاران باید به مجری برنامه اعتماد کنند. یکی از اقدامات این دوره این است که با سخت‌گیری‌های صورت‌گرفته در انتخاب اهالی رسانه، خبرنگاران حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تری در کاخ جشنواره حضور یافته‌اند که این به فضای جلسات پرسش و پاسخ کمک می‌کند.»

رئیس سازمان سینمایی ادامه داد: «اجرای سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر این‌که (ایران تهران نیست) هر ساله با جدیت در جشنواره دنیال و امسال با تاکید بیشتری پی‌گیری می‌شود. در واقع این ظرفیت به وجود آمده است تا مردم سایر استان‌های کشور نیز بتوانند از فیلم‌های جشنواره استفاده کنند. با وجود دشواری مدیریت بخش فیلم‌ها در استان‌های مختلف، هر سال استقبال مردم از جشنواره بیشتر می‌شود.»

او ادامه داد: «قرار بر این است که ستاد جشنواره آرای مردمی را به تدریج اعلام کند که این خود نشان‌دهنده وضعیت



فیلم مجید مجیدی به جشنواره فیلم فجر رسید



۲

به گفته محمدرضا فرجی، مدیر امور سینماهای جشنواره، فیلم «خورشید» مجید مجیدی به جشنواره رسید و از امروز، چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه،

طبق جدول اکرانش آغاز خواهد شد.

پیش از این طبق اعلام دبیرخانه جشنواره فیلم فجر، با به موقع نرسیدن فیلم «خورشید» به جشنواره، فیلم «پسرکشی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدهادی کریمی وارد بخش مسابقه جشنواره شد. نمایش فیلم «پسرکشی» در جشنواره ادامه پیدا خواهد کرد و با اعلام قبلی از طریق سایت فروش جشنواره (فجر تیکت) نمایش‌های اختصاصی به تعداد مشابه سایر فیلم‌های سینمایی پیش‌بینی شده است.

سانس‌های ویژه «شنای پروانه»، «درخت گردو» و «روز صفر»

و موزه سینما، «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت در سینماهای راگا، آزادی، مگامال و «روز صفر» به کارگردانی سعید ملکان در سینماهای فرهنگ ۱، فرهنگ ۲ و ایران‌مال به سانس فوق‌العاده رسیدند.

۳

فیلم‌های «شنای پروانه»، «درخت گردو» و «روز صفر» در چهارمین روز جشنواره به سانس فوق‌العاده رسیدند. سه فیلم «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان در سینماهای استقلال

کاروان «بچه‌های آفتاب» به راه افتاد

حسن آفاکریمی تهیه‌کننده سینما و جمعی از افراد از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و مسئولان سازمان بنادر و دریانوردی چابهار و... آغاز به کار کرد.

این کاروان به ابتکار و تلاش مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان و با همراهی بنیاد سینمایی فارابی، سازمان بنادر و دریانوردی چابهار و همچنین با حضور تماشاخانه سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برنامه‌های شادی همچون تئاتر، پخش فیلم و مسابقه را برای کودکان سیستمات و بلوچستان برگزار خواهد کرد.

۴

کاروان «بچه‌های آفتاب» در شهرهای سیل‌زده استان سیستان و بلوچستان و شهر چابهار آغاز به کار کرد تا دل کودکان این شهرها را برای لحظاتی شاد کند. کمپین «بچه‌های آفتاب» صبح روز سه‌شنبه، ۱۵ بهمن ماه، با حضور هنرمندانی همچون پوران درخشنده رئیس مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان، مهران رجبی، بهنوش بختیاری، سیدجواد هاشمی بازیگران سینما و تلویزیون، سید مجتبی ظریفیان (عمو مهربان) و آریتا رضایی (خاله رویا) و هم چنین حبیب ایل‌بیگی قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی،

معرفی ۹ فیلم برتر آرای تماشاگران



۵

نتیجه شمارش آرای فیلم‌های نمایش داده شده در روز چهارم جشنواره فیلم فجر، ۱۵ بهمن ماه از سوی ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران

اعلام شد.

فیلم‌های «آبادان یازده ۶۰»، «دوزیست»، «شنای پروانه»، «روز بلوا»، «مغز استخوان»، «خوب بد جلف ۲»، «درخت گردو»، «روز صفر» و «خروج»، ۹ فیلم برتر آرای تماشاگران سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر تا روز ۱۵ بهمن ماه هستند. فهرست فیلم‌ها بدون اولویت است.





نشست خبری فیلم «آن شب»

این یک داستان جهانی است، نه ترسناک

نشست خبری فیلم «آن شب» به کارگردانی کوروش آهاری، اولین نشست روز چهارم سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر بود. نشستی که به بحث‌هایی پیرامون تفاوت فیلم‌سازی در ایران و آمریکا گذشت و بیشتر سوالات درباره این بود که چرا یک فیلم از ژانر وحشت باید در آمریکا ساخته شود. البته در این نشست شهاب حسینی حضور نداشت و به گفته عوامل در نمایش بعدی فیلم او به جشنواره خواهد آمد. این نشست با حضور میلاد جرموز نویسنده، محمد درمنش تهیه‌کننده، صبا واحدی جانشین طراح صحنه و شهاب شهرزاد منتقد برگزار شد. اجرای نشست‌های روز چهارم جشنواره را محمدرضا مقدسیان بر عهده داشت.

شرایط فیلم‌سازی در آمریکا

آهاری، کارگردان فیلم، در پاسخ به این سوال که فیلم ساختن در آمریکا چه تفاوتی با ایران دارد، گفت: «من درباره فیلم‌سازی در ایران اطلاعات کمی دارم. بخش ساده فیلم‌سازی در آمریکا آن است که نیاز به مجوز ساخت و نمایش نیست، اما قوانین محدود دیگری دارند. مثلاً این‌که اندازه معینی برای استفاده از بازیگر کودک در فیلم وجود دارد که کار را کمی سخت می‌کند.»

ادای دین به فیلم «درخشش» کوبریک

شهرزاد، منتقد حاضر در این نشست، درباره فیلم «آن شب» گفت: «اگر بخواهیم نگاه ژانرشناسی داشته باشیم، یک فیلم متفاوت دیدیم. این فیلم در ژانر وحشت است و به سایکو درام نزدیک می‌شود، اما شخصیت‌ها ایرانی هستند و ما به آن‌ها نزدیک می‌شویم. این فیلم از سویی به دنبال فخرفروشی

در پردازش تصویر یک کشور خارجی نیست و نمی‌خواهد از موقعیت مکانی خود یعنی آمریکا برای جذابیت استفاده کند. البته که این فیلم ادای دین به «درخشش» کوبریک است.»

فیلمی با مخاطب جهانی

درمنش، تهیه‌کننده، درباره بحث مالکیت فیلم و تولید مشترک سینمایی توضیح داد: «اگر در آینده در سینمای ما فرصت تولید اثر با حضور تیم‌های گسترده و چند سرمایه‌گذار وجود داشته باشد، فیلم‌ها به پختگی بیشتری می‌رسند و سینمای ما پیشرفت خواهد کرد. این فیلم قرار است مخاطب جهانی داشته باشد و ما تلاش کردیم به ترکیب خوبی از عوامل فیلم برسیم که بتوانیم دیدگاه‌هایمان را به هم نزدیک کنیم.» او در پاسخ به این سوال که چرا فیلم در آمریکا تولید شده است، گفت: «همیشه هر فیلمی می‌تواند



سرمایه‌گذاران سینمای آمریکا ایدئولوژیک نیستند

آهاری درباره آهنگ‌ساز فیلم گفت: «آهنگ‌ساز ما از نسل جدیدی است که ساکن آمریکاست و ما هدفمان این بود که از سازهای ایرانی در خدمت ژانر استفاده کنیم و امیوایزیم درست کار کرده باشیم.» تهیه‌کننده فیلم «آن شب» درباره سرمایه‌گذاری فیلم گفت: «در آمریکا صنعت سینما مهم است و سرمایه‌گذاران در آمریکا اصلا ایدئولوژیک نیستند و زمانی که یک سرمایه‌گذار پای فیلمی می‌آید، باید از بازگشت سود و سرمایه مطمئن باشد.»

نمادها؛ نشانه دوری آدم‌ها از هم

صبا واحدی، جانشین طراح صحنه، با توضیح این مطلب که تیم بزرگی برای طراحی صحنه فیلم کار کردند، گفت: «فیلم در سه لوکیشن خانه، استودیو و هتل فیلم‌برداری شد. تمام نمادها مثل روباه، جغد و تصویرهایی که در راهروهای هتل دیدیم، دلیل داشتند و نشانه دوری این آدم‌ها از یکدیگر بود. هم چنین طرح تتویی را که در فیلم می‌بینید، از کتابی درباره بومیان آمریکا انتخاب کردم که یک تقویم سنگی بود. این تتو نماد این بود که این افراد در تمام روزها و شب‌های تاریخ گیر کرده‌اند و شیطان روزگار خودشان هستند.»



در هر لوکیشن و با یک استراتژی مشخص ساخته شود. یکی از دلایل مهم ساخت آن در آمریکا، این بود که دوستان ایرانی ساکن آمریکا و بازیگران بتوانند در اقصی نقاط جهان فیلم بسازند و البته محور اصلی یک اثر باشند.»

نمایش چهره مردم ایران در آمریکا

آهاری درباره دلیل ساخت فیلم «آن شب» در آمریکا گفت: «این داستان می‌توانست در هر جایی اتفاق بیفتد، اما در سینمای آمریکا به هنرمندان ایرانی بها داده نمی‌شود. ما می‌خواستیم به این مسئله دامن بزنیم و از این فرصت استفاده کنیم تا هنرمند ایرانی ساکن در آمریکا را پررنگ‌تر کنیم.» او ادامه داد: «ما یک فیلم آمریکایی با حال‌وهوای ایرانی می‌بینیم که می‌تواند شکل بین‌المللی داشته باشد. نسل جدید ایرانی‌های آمریکا دوست دارند به مردم خودشان ادا احترام کنند و البته ما می‌خواستیم چهره مردم ایران را در آمریکا نشان دهیم که زندگی خیلی لوکسی ندارند.»



ژانر فیلم «آن شب» ترسناک نیست

درمنش در پاسخ به چرایی غیبت شهاب حسینی در نشست فیلم گفت: «شهاب حسینی مشغول فیلم‌برداری یک فیلم در خارج از کشور است، اما در اکران روز نوزدهم بهمن ماه حضور خواهد داشت.» کارگردان فیلم «آن شب» درباره اقتباسی بودن فیلم یا ارجاع دادن به فیلم خاصی گفت: «قطعاً الهام‌هایی از برخی فیلم‌ها گرفته‌ام، اما لزوماً برنامه‌ریزی نشده بوده و اگر پلان یا شاتی شبیه فیلم «درخشش» می‌بینید، آگاهانه نبوده است.» او با بیان این‌که ژانر فیلم «آن شب» را در آمریکا ژانر روان‌شناختی می‌نامند و ژانر ترسناک نیست، گفت: «ما برای این‌که فیلم شکل هالیوودی پیدا کند، نیاز به یک سری ترفند داشتیم. این داستانی جهانی است و بیننده آمریکایی با آن ارتباط برقرار کرد. امیدواریم در ایران هم مورد استقبال قرار بگیرد.» جرموز درباره اقتباسی بودن فیلم گفت: «من هیچ پیش‌زمینه‌ای برای نوشتن فیلمنامه‌ای با این موضوع نداشتم، اما در ما چیزهایی رسوب کرده است که در نوشتن ما تاثیر می‌گذارد.»





نشست خبری فیلم «درخت گردو»

ادای دین به میزبانان مهربان دوران جنگ تحمیلی

نشست خبری فیلم سینمایی «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، دومین نشست چهارمین روز جشنواره فیلم فجر سی و هفتم بود. نشستی که با حاشیه‌هایی همراه بود، از عینک دودی مهران مدیری که مورد اعتراض یکی از خبرنگاران قرار گرفت و توضیحات تهیه‌کننده فیلم درباره کمک میلیونی «درخت گردو» به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان تا پیمان معادی که حضور نداشت و با تماس تلفنی در نشست خبری صحبت کرد. نکته‌ای که تمام عوامل فیلم بر آن تاکید داشتند، این بود که نخستین دلیل حضورشان در فیلم «درخت گردو»، ادای دین به مردم کرد بوده است. این نشست با حضور ابراهیم امینی و حسین حسینی فیلمنامه‌نویسان، سیدمصطفی احمدی تهیه‌کننده، مینو شریفی، مینا ساداتی، مهران مدیری بازیگران، هادی بهروز مدیر فیلم‌برداری، حبیب خزایی‌فر موسیقی، بهزاد جعفری طراح صحنه و لباس، ایمان کریمان جلوه‌های ویژه میدانی، امین پهلوان‌زاده جلوه‌های ویژه بصری و خسرو نقیبی منتقد برگزار شد. اجرای نشست‌های خبری روز چهارم جشنواره، را محمدرضا مقدسیان بر عهده داشت.

مهدویان: می‌خواستیم صحنه‌های باورپذیر شیمیایی شدن را به تصویر بکشیم

مهدویان، کارگردان، در ارتباط با دشواری کارگردانی و فضا سازی «درخت گردو» توضیح داد: «این فیلم نسبت به فیلم‌های قبلی‌ام از چند جهت دشواری‌های بیشتری داشت.

زبان، فرهنگ و جغرافیای فیلم برای من ناآشنا بود و باید این آشنایی برایم صورت می‌گرفت. کار کردن با سه بچه کوچک که بازی‌های سختی هم داشتند، از این جهت سخت بود که باید به لحاظ فیزیکی و روحی مراقبت می‌شدند.» او ادامه داد: «هم‌چنین گریم بازیگران جزو چالش‌های فیلم بود. ما

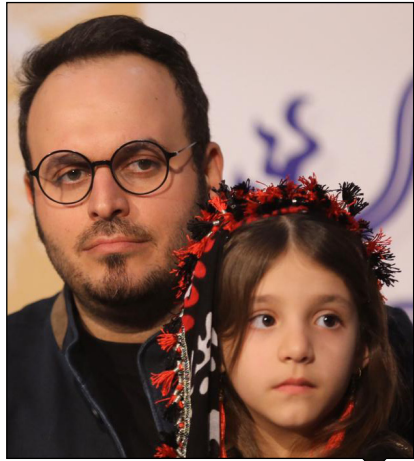
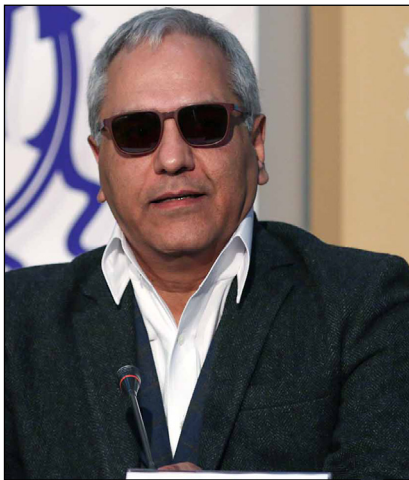
و محمد حسین مهدویان به این نتیجه رسیدیم که از بازیگران حاضر در این فیلم استفاده کنیم. هم چنین درباره کمک ۸۸ میلیونی از فروش فیلم به سیل زدگان سیستان و بلوچستان باید بگوییم که به نیت امام رضا(ع) بوده است و واقعا از دلیل این حاشیه‌ها که در این باره گفته شده، اطلاع ندارم.

نقیبی: چشمان خیس تماشاگران به خاطر درام‌نمایی مهدویان است

خسرو نقیبی، منتقد، هم درباره فیلم «درخت گردو» گفت: «نکته مهم درباره این فیلم این است که با فیلم‌سازی به نام محمد حسین مهدویان طرف هستیم که علاوه بر ساخت پنج فیلم سینمایی، کارش را با مستندنمایی شروع کرده است. این فیلم‌ساز با این پیشینه درام را به خوبی می‌شناسد و هر بار که درام را در کارهای خود پرتنگ‌تر می‌کند، موفق است.» او ادامه داد: «چشمان خیسی که بعد از تماشای «درخت گردو» دیدید، به خاطر درام‌نمایی این کارگردان در فیلم است. او فیلمش را با بازیگران ناشناس نمی‌سازد و به مخاطب احترام می‌گذارد.»

ساداتی: داستان انسانی فیلم برایم جذاب بود

مینا ساداتی درباره دلیل حضورش در فیلم «درخت گردو» گفت: «به نظرم مهدویان کارگردان شجاعی است. به خاطر داستان انسانی فیلم، دوست داشتم در آن حضور داشته باشم. سال‌ها بود به مسائل کردها پرداخته نشده بود. فکر می‌کنم دردها هنوز همان وضعیتی را دارند که ۳۰ سال پیش داشتند.» او ادامه داد: «تعدد لوکیشن و دیگر چالش‌ها از جمله کار کردن با آقای مهدویان که به بازیگر نمی‌گوید چه باید کند و او باید خودش را در جریان فیلم پیدا کند، از جمله جذابیت‌های این فیلم برایم بود.»



در صحنه‌هایی که حیوانات را نشان دادیم، از دام‌پزشکانی استفاده کردیم که بدون آسیب زدن به حیوانات صحنه‌های باورپذیر شمیمایی شدن را به تصویر بکشیم. سعی مان بر این بود که عمق فاجعه را بتوانیم روی پرده سینما به تصویر بکشیم.»

کارگردان فیلم «درخت گردو» درباره حضور پیمان معادی و مهران مدیری در فیلم توضیح داد: «فیلم موضوعی انسانی دارد که فراموش شده است، اما می‌تواند در جوامع بین‌المللی نمایش داده شود و کارکرد مثبتی داشته باشد. حضور پیمان معادی به عنوان یک بازیگر بین‌المللی می‌تواند به این مهم کمک کند. لهجه فیلم از نکاتی بود که پیمان درباره آن نگران بود و ما در حین فیلم‌برداری بسیار به درآمدن لهجه توجه داشتیم و نتیجه قابل قبول از آب درآمد.»

مدیری: دوست داشتم به میزبانان ما در دوران جنگ ادای دین کنم

مهران مدیری در ابتدا به بازماندگان حادثه سقوط هواپیما تسلیت گفت و جای پیمان معادی را خالی کرد و گفت: «من در سال ۱۳۶۶ در سردشت حضور داشتم و تقریباً بخش بزرگی از این اتفاقات را از نزدیک دیدم. دوستی من با کارگردان، تهیه‌کننده، پیمان و هم چنین موضوعی که خاطرات بسیاری را برای من زنده کرد، در کنار این که من عاشق مردم مهربان و آدم حساسی گرد هستم، دلایلی بودند که نمی‌توانستم در فیلم حضور نداشته باشم. دوست داشتم به کسانی که در دوران جنگ با مهربانی میزبان ما بودند، ادای دین کنم.»

تهیه‌کننده «درخت گردو»: کمک ۸۸ میلیونی به سیل زدگان به نیت امام هشتم بود

احمدی، تهیه‌کننده این فیلم، گفت: «با کمک پیمان معادی



شریفی: فیلم‌هایی با موضوع کردها دیده نمی‌شوند

مینو شریفی، دیگر بازیگر فیلم، درباره حضورش در «درخت گردو» گفت: «این فیلم اولین فیلم سینمایی من بود. خیلی خوشحالم که با این فیلم، کار حرفه‌ای‌ام را شروع کردم. فضای کاری مهدویان ساده نیست، زیرا بازیگر همیشه باید متمرکز باشد. از تکتک بازیگران و آقای مهدویان تشکر می‌کنم که راه را به من نشان دادند.» او با اشاره به این‌که اصلاندا کرد است، توضیح داد: «می‌دانم فیلم‌هایی که با این زبان یا با موضوع کردها ساخته می‌شوند، معمولاً دیده نمی‌شوند، یا سرمایه‌گذار پیدا نمی‌کنند. کاراکتر مریم یک زن جوان سردشتی بود و تمام تلاش‌م را کردم این نقش را درست بازی کنم. درست است که کرد هستم، اما یادگیری این زبان سخت بود. اولین برخورد من با زبان کردی در ۱۹ سالگی بود، اما باید این را بگویم که لهجه کردی شهر به شهر و روستا به روستا با یکدیگر فرق دارد. روزی اولی که بچه‌های فیلم را دیدم، متأسفانه آن‌ها اصلاً حرف ما را متوجه نمی‌شدند و نیاز به مترجم داشتند.»

مدیری: صبح زود بیدار می‌شدیم

مهران مدیری با اشاره به چالش‌هایی که در طول ساخت فیلم با آن‌ها روبه‌رو شده بود، گفت: «ما صبح زود بیدار می‌شدیم و بیدار شدن در آن ساعت برای من فاجعه بود. چند بار ساعت شش صبح حرکت کردیم و به سنج‌های رفتیم و ساعت‌ها در راه بودیم. هم چنین در مسیر پنج ساعت در

راه بودیم، به بهانه‌های مختلف به بانه می‌رفتیم و عذاب می‌کشیدیم.»

طراح موسیقی: از آهنگ‌سازان بومی کرد استفاده کردیم

حبیب خزایی فر هم درباره ساخت موسیقی «درخت گردو» توضیح داد: «تحقیقات مفصلی درباره موسیقی کردستان کردم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که باید از این آهنگ‌ها استفاده کنیم. هم چنین برای موسیقی این فیلم از آهنگ‌سازان بومی کرد استفاده کردم.»

معادی: «درخت گردو» فیلم مهمی است

پیمان معادی، بازیگر نقش اول این فیلم، طی تماس تلفنی در این جلسه مشارکت کرد و درباره بازی‌اش گفت: «سیمرغ و بازتاب بین‌المللی برایم اهمیتی ندارد، زیرا این فیلم بسیار مهم‌تر از این حرف‌هاست. محمدحسین مهدویان را سال‌هاست می‌شناسم و می‌دانستم چقدر سینما را می‌شناسد. طی ساخت فیلم فهمیدم عوامل این فیلم مدت‌هاست با هم همکاری می‌کنند و یک هم‌دلی خاصی داشتند. او گروه فوق‌العاده‌ای دارد.» او تأکید کرد: «این فیلم مهمی است. من این فیلم را عاشقانه بازی کردم و امیدوارم مردم آن را دوست داشته باشند.» مهدویان در بخش دیگری از نشست درباره پیمان معادی گفت: «از راه دور به پیمان معادی سلام می‌کنم. در طول ساخت فیلم به او فشار زیادی وارد شد. او چند روز در بیمارستان بستری بود و به کمک قرص و آمپول در صحنه فیلم‌برداری حاضر می‌شد. پس فکر



مهدویان: اقلیت‌های کشورمان تاوان بسیاری برای وطن داده‌اند

کارگردان فیلم «درخت گردو» در پاسخ به این سوال که آیا با توجه به سکانس پایانی فیلم که کوله‌برها نشان داده شده‌اند، فیلم بعدی‌تان درباره این قشر خواهد بود، گفت: «هنوز درباره موضوع فیلم بعدی‌ام تصمیم نگرفته‌ام. اما اگر دقت کرده باشید، من همیشه درباره موضوعات ملی فیلم می‌سازم. با «درخت گردو» سعی کردم فیلمی بسازم که در عین حال که ملی است، نقد شیوه‌های حکمرانی در آن وجود داشته باشند. اقلیت‌های کشورمان تاوان بسیاری برای وطن داده‌اند و همیشه کنار گذاشته شده‌اند. آن‌ها برای وطن آسیب دیده‌اند، اما به خاطر این که هم‌زبان پایتخت‌نشینان نبودند، کسی توجهی به آن‌ها نکرده است.» او تاکید کرد: «ما فیلم‌سازان می‌توانیم فیلم‌های ملی بسازیم که در عین حال شیوه‌های حکمرانی را نقد

تکنید این فیلم الکی ساخته شده است.»

فیلمنامه‌نویس «درخت گردو»: بر مبنای یک داستان واقعی فیلمنامه نوشتیم

هادی بهروز، مدیر فیلم‌برداری، درباره شیوه‌های فیلم‌برداری این فیلم گفت: «تمام اتفاقات باعث شد برای هر دهه‌ای که فیلم در آن روایت می‌شود، فرمت خاصی استفاده شود که مخصوص آن دهه باشد. تجربه بسیار جذاب و جدیدی برای من بود و خوشحالم که در این فیلم حضور داشتم.»

ابراهیم امینی، فیلمنامه‌نویس، هم درباره نقاط منفی و مثبت فیلمنامه «درخت گردو» گفت: «ما تجربه کارهای قبلی را داشتیم و در تمام آن‌ها بر مبنای یک داستان واقعی فیلمنامه نوشتیم. در نوشتن یک فیلمنامه واقعی باید اول فهمید که چه اتفاقاتی و چگونه رخ داده است. پس از این مرحله باید نحوه روایت و عرضه آن‌ها را بلد باشیم. سپس درباره رویدادها صحبت کنیم، زیرا انگیزه انسان‌ها مشخص نیست.»



معادی: امیدوارم حق مطلب را در این فیلم ادا کرده باشم

پیمان معادی در بخش دیگری از تماس تلفنی گفت: «اجازه می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و از محمدحسین مهدویان بابت انتخاب شجاعانه‌ای که داشت و من را برگزید، تشکر کنم. هم‌چنین از عبدالله مهربان، معلم زبانم در این فیلم، ممنونم که برای رسیدن من به نقش قادر بسیار تلاش کرد. از مهران مدیری که حق مطلب را ادا کرد، تشکر می‌کنم.» او تاکید کرد: «من هم عاشق کرده‌ام هستم و از مردم کردستان تشکر می‌کنم که به من اجازه دادند لباس فاخرشان را بر تن کنم. آن‌ها درهای خانه‌هایشان را به روی ما باز کردند و اجازه بازی و نشان دادن یک دوره زمانی و یک رویداد از مردم ایران را دادند. امیدوارم حق مطلب را ادا کرده باشم و می‌خواهم سر تعظیم جلوی این مردم که طی سالیان رنج کشیده‌اند، فرود آورم.»

می‌کنند.» مهدویان هم چنین در پاسخ به سوالی مبنی بر این که چقدر فکر می‌کنید این فیلم موفق بوده، گفت: «این را که این فیلم چقدر موفق بوده یا نبوده، من نباید بگویم. طی سالیانی که فیلم می‌سازم، همیشه سعی کرده‌ام نظر منتقدان را بخوانم و به آن‌ها توجه کنم.»

بازی در این فیلم سخت بود

ژینا زاهدی، بازیگر کودک فیلم «درخت گردو»، درباره نقش خود گفت: «من در فیلم «درخت گردو» بازی کردم و از بازی در این فیلم بسیار خوشحالم. آقای مهدویان را بسیار دوست دارم و دستش را می‌بوسم.» ماهان کریمی، دیگر بازیگر کودک این فیلم، نیز درباره حضورش در فیلم گفت: «در این فیلم نقش ناصر را بازی کردم. فیلم «درخت گردو» را خیلی دوست داشتم و به نظرم بازی در این فیلم اصلا سخت نبود.» مهیا کریمی، بازیگر نقش مال‌مال، نیز گفت: «در این فیلم نقش مال‌مال را بازی کردم. به نظرم بازی در این فیلم بسیار سخت بود.»





نشست خبری فیلم «دوزیست» قصه‌ای مردانه برای نشان دادن جبر زندگی زنان

نشست خبری فیلم «دوزیست» به کارگردانی و نویسندگی برزو نیک‌نژاد، سومین نشست خبری چهارمین روز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود. در این نشست بازیگران فیلم از ریسک‌پذیری و تفاوت‌هایی که فیلم «دوزیست» در نقش به آن‌ها بخشیده است، صحبت کردند. به گفته کارگردان، «دوزیست» فیلمی مردانه است که جبر زندگی زنان ایرانی را نشان می‌دهد. این نشست با حضور سعید خانی تهیه‌کننده، علی براننده مدیر فیلم‌برداری، جواد عزتی، هادی حجازی‌فر، پژمان جمشیدی، ستاره پسیانی و الهام اخوان بازیگران، امیرحسین قدسی طراح صحنه، مهدی سعیدی تدوین، ملودی اسماعیلی طراح لباس و حمیدرضا مدقق منتقد برگزار شد. محمدرضا مقدسیان اجرای نشست‌های روز چهارم جشنواره را بر عهده داشت.

(لانه زنبور ۲) را نیز بسازد.»

جمشیدی: بازی در «دوزیست» برایم متفاوت بود
جمشیدی نیز در خصوص نقشش در فیلم گفت: «خوشحالم که در این نقش بازی کردم. پیشنهادهایی که در سال به من می‌شود، اکثراً ژانر کمدی است و حضور در این نقش و فیلم برای من تجربه متفاوتی بود.» او با اشاره به تاثیر تئاتر روی بازیگری‌اش افزود: «بازی در تئاتر بسیار سخت است. من تجربه حضور در ۳۰ تئاتر را داشته‌ام و این تجربه از من آدم و بازیگر دیگری ساخت.»

جبر زندگی آدم‌ها را دوزیست‌وار می‌کند

نیک‌نژاد نیز با بیان این‌که از نتیجه کار راضی است، در مورد فیلم

«دوزیست» مخاطب را شگفت‌زده می‌کند

در ابتدا مدقق، منتقد حاضر در نشست، گفت: «برای دومین بار این فیلم را دیدم و به این نتیجه رسیدم که «دوزیست» فیلمی با پایان غافل‌گیرکننده است و مخاطب را شگفت‌زده می‌کند. این فیلم تماشاگرش را فریب نمی‌دهد، بلکه به مخاطب نشانی می‌دهد و این نشانه‌ها در دیالوگ‌ها نیز بیان می‌شود.» او ادامه داد: «شخصیت حمید نشانه‌های مختلفی با خود همراه دارد. در این فیلم جزئیات زیاد است. می‌توان گفت «دوزیست» فیلم مراقبت است و در همه بخش‌ها این مراقبت نشان داده شده است. آشنایی‌زدایی از بازیگرها از دیگر ویژگی‌های مثبت فیلم «دوزیست» است. به نظرم برزو نیک‌نژاد می‌توانست فیلم



کردم زحمات عوامل فیلم به خوبی نشان داده شود.»

تلاشی برای تعریف قصه‌ای مردانه

پژمان جمشیدی هم درباره هم‌بازی بودنش با جواد عزتی گفت: «جواد عزتی در پشت صحنه فیلم بسیار خوب و همراه است و من در دو فیلم «جهان با من برقص» و «دوزیست» تجربه بسیار خوبی با او داشتم.»

کارگردان فیلم در ارتباط با شخصیت‌های فیلم و طبقه اجتماعی آن‌ها گفت: «شخصیت‌های فیلم در طبقه اجتماعی متوسط رو به پایین بودند. به دنبال بیان خرده‌روایت‌ها در این فیلم نبودم و تلاش‌م بر این بود که آدم‌ها و شخصیت‌های فیلم را از روایت و منظر آدم‌های دیگر بشناسیم.» او ادامه داد: «تلاش کردم قصه‌ای مردانه تعریف کنم و معتقدم خانم‌ها در ایران در بعضی از قسمت‌های زندگی تحت جبر قرار می‌گیرند.»

زندگی شعبده‌بازی است

نیک‌نژاد در ارتباط با پایان فیلم گفت: «اتفاقات مختلفی در کشور رخ می‌دهد که تأثیرش را روی آدم‌ها می‌گذارد. در سکانس اول فیلم گفته می‌شود زندگی شعبده‌بازی است و در پایان نشان می‌دهد خیلی از اتفاقات زندگی ممکن است رخ ندهد.» کارگردان در مورد تحول شخصیت‌های فیلم نیز توضیح داد: «برخی از این تحولات گاهی به اجبار نقش است و سیر بالا و پایین برای این تحولات در فیلم تعریف شده است.» تدوین‌گر فیلم «دوزیست» در خصوص تدوین فیلم گفت: «اگر صدای فیلم را ببندیم، تصویر گویای همه چیز است و رد شدن از برخی صحنه‌ها ما را به بخش‌های مهم فیلم نزدیک‌تر می‌کند.»

تهیه‌کننده: دیگر نمی‌خواستیم فیلم اجتماعی بسازیم

تهیه‌کننده فیلم با اشاره به ساخته شدن فیلم در بخش خصوصی گفت: «بعد از فیلم «ارادتمند...» دیگر نمی‌خواستیم فیلم اجتماعی بسازیم، اما احساس کردم با کمک برزو می‌توانیم فیلم اجتماعی خوبی با هم بسازیم. در کنار تیم حرفه‌ای تلاش کردیم فیلم خوبی بسازیم تا اگر فیلم فروخت، دستمزد برزور را بدهیم.»

«دوزیست» گفت: «سعی کردم در این فیلم خیلی از واقعیت‌ها را نگویم. همه ما حرف‌های زنده زیادی داریم و جبر زندگی آدم‌ها را مجبور می‌کند دوزیست‌وار زندگی کنند.» کارگردان فیلم «دوزیست» در ارتباط با انتخاب بازیگران نیز گفت: «قرار بود ساخت این فیلم آذر پارسال آغاز شود و همه بازیگرها انتخاب اول ما بودند.» سعید خانی نیز در ارتباط با ساخت و پخش فیلم گفت: «در ابتدا به دنبال پخش فیلم در پاییز بودیم، اما نهایتاً تصمیم به اکران فیلم در جشنواره گرفتیم.»

حجاری فر: در بازیگری ریسک‌پذیر هستم

حجاری فر نیز در ارتباط با نقش خود در فیلم «دوزیست» گفت: «از شناس خوب من است که نقش‌های مختلفی به من پیشنهاد می‌شود. تجربه‌ها دوست‌داشتنی در کنار این تیم خوب داشتم. در بازیگری جرئت ریسک زیادی دارم و هم چنان در این حیطه تجربه می‌کنم.»

ماجرای انتخاب شدن الهام اخوان

نیک‌نژاد در ارتباط با انتخاب بازی الهام اخوان در این فیلم توضیح داد: «من برای این نقش قطعا بازیگر چهره جدید می‌خواستم. نمایشی از او دیدم و پس از گفت‌وگو با آقای خانی، او برای ایفای این نقش انتخاب شد.» کارگردان فیلم «دوزیست» با اشاره به تحصیلات بازیگری الهام اخوان گفت: «برای درست از آب درآمدن این نقش دو سال با او کار کردم. به نظر من نتیجه بازی او خوب بود و توانست بین بازیگران چهره خوب بازی کند و بازی یک‌دستی با آن‌ها داشته باشد.» الهام اخوان در ارتباط با نقشش در «دوزیست» گفت: «صرف‌نظر از این‌که توانستم این تجربه خوب را جلوی دوربین داشته باشم، بازی در کنار بازیگران خوب و حرفه‌ای فیلم، برایم تجربه بی‌ظییری بود. کاراکتر مریم با خودم تفاوت‌هایی داشت که با کمک هم‌تیمی‌های خوب توانستم آن را پرداخت کنم.»

درباره فیلم‌برداری و تدوین «دوزیست»

برازنده درباره فیلم‌برداری فیلم گفت: «عموما در این فیلم از لنزهای تیره‌تری استفاده کردیم و گفت‌وگوهای قبل از فیلم در روند فیلم‌برداری بسیار موثر بود.» در ادامه نشست، مهدی سعدی در ارتباط با تدوین فیلم گفت: «امیدوارم این فیلم را دوست داشته باشید. من از تدوین این فیلم لذت بردم و تلاش





معرفی فیلم‌های روز پنج‌شنبه در پردیس سینمایی ملت

روز فوتبالی سینما

در روز پنج‌شنبه هفدهم بهمن ماه دو فیلم سینمایی، یک مستند و یک فیلم کوتاه در سینمای اهالی رسانه روی پرده می‌رود. یکی از این آثار فیلم اول عباس امینی به نام «کشتارگاه» است. در این روز همچنین به دلیل پخش شهروند تهران سانس دوم به شهروند اختصاص یافته است.

کشتارگاه

حساب می‌آید که با اعلام هیئت انتخاب سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، این فیلم در فهرست فیلم‌های بخش سودای سیمرغ جشنواره حضور دارد. این فیلم قصه چند جوان مهاجر افغان را روایت می‌کند که قصد رفتن به اروپا را دارند. «مردن در آب مطهر» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی ساخته شده است. علی شادمان، ندا جبرائیلی، متین حیدرنیا، صدف عسگری، سوگل خلیق، علیرضا آرا، امیررضا نجربران، خیام وقار، پیمان مقدمی، مهتاب جعفری، فرید اسحاقی، فاطمه شگری، محیا رضایی، فاطمه میرزایی و علیرضا مهران بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. در خلاصه داستان فیلم آمده است:

رونا: حامد از دریا نترسی یا از هرچی که بترسی، بلای جونت می‌شه. حامد: نمی‌ترسم.

زمستان است

مهرداد زاهدیان دارای مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران است. او که جوایز متعددی از جشنواره سینما حقیقت و جشن مستندسازان دریافت کرده، مستندهایی چون «مسبح در جلغا»، «تهران فردا» و آثار دیگری را کارگردانی کرده است. در خلاصه داستان «زمستان است» به کارگردانی مهرداد زاهدیان و تهیه‌کنندگی پیروز حناچی آمده است:

خیابان لاله‌زار تهران یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها در ایران است که به عنوان نمادی از میل به تجدیدطلبی، قابل مطالعه است؛ مجموعه‌ای از عناصر مختلف که این خیابان را به گذرگاهی فرهنگی مبدل می‌کند. با وقوع کودتای سال ۱۳۳۲ و افزایش جمعیت پایتخت، لاله‌زار آرام‌آرام هویتی تازه پیدا کرد...

پاندای قرمز

علی پاکتیا با فیلم «پاندای قرمز» در جشنواره فیلم فجر حضور دارد.

«پاندای قرمز» داستان راننده‌ای است که همیشه آرزوی رفتن به دانمارک را در ذهن خود دارد. از قضا مسافری را سوار می‌کند که بعد از هشت سال از دانمارک رسیده. بعد از رسیدن به مقصد، مسافر حاضر نمی‌شود پیش خانواده خودش برود و از راننده خواسته‌ای دارد.

احسان منصوری و امیرعلی الیاس مهر بازیگران این فیلم هستند.

عباس امینی ساخت فیلم سینمایی «کشتارگاه» را اوایل مهرماه آغاز کرد. او که سابقه ساخت فیلم‌های ویدئویی چون «والدرا» و «هندی و هرمز» را در کارنامه دارد، «کشتارگاه» را به عنوان نخستین فیلم سینمایی خود به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبگی ساخت. فیلمنامه این فیلم سینمایی را امینی به صورت مشترک با حسین فرخ‌زاده به نگارش درآورده است.

امینی نقش‌های اصلی فیلم خود را به مانی حقیقی، امیرحسین فتحی و باران کوثری سپرده و حسن پورشیرازی نیز در این اثر نقش آفرینی می‌کند.

«کشتارگاه» برای آن‌که آماده حضور در جشنواره فیلم فجر شود، هم‌زمان با فیلم‌برداری از سوی حمید نجفی‌زاد تدوین می‌شد تا همه چیز به گونه‌ای پیش برود که شرایط شرکت کردن این اثر در رقابت فجر فراهم شود.

در خلاصه داستان «کشتارگاه» آمده است:

امیر چند ماهی است از فرانسه دیپورت شده است. او به خاطر پدرش شریک یک جنایت هولناک می‌شود...
رفیق: این جاصلیب سرخی‌ها بهت می‌گن چیتا.
امیر: چی؟
رفیق: چیینا... بیوزلنگ.

مردن در آب مطهر

برادران محمودی از سال ۹۲ با ساخت فیلم «چند متر مکعب عشق» وارد سینمای ایران شدند. فیلمی که در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را از بخش نگاه نو دریافت کرد و هم چنین در هفدهمین جشن سینمای ایران برنده تندیس و دیپلم افتخار بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه شد. محمودی‌ها بعد از این فیلم، فیلم‌های «رفتن» و «شکستن هم‌زمان بیست استخوان» را هم کارگردانی کردند. «رفتن» در جشنواره‌های خارجی بوسان، مونپخ و مراکش خوش درخشید و تحسین شد. معمولاً فیلم‌های این دو برادر درباره مهاجران افغانستانی است و مشکلاتی که در زندگی با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برادران محمودی تا به حال سه فیلم را مقابل دوربین برده‌اند که معمولاً یکی از آن‌ها تهیه‌کنندگی را برعهده داشته و دیگری هم نویسندگی و کارگردانی را عهده‌دار بوده است. «مردن در آب مطهر» جدیدترین و البته چهارمین ساخته محمودی‌ها به

گفت‌وگو با حمیدرضا قربانی، کارگردان «مغز استخوان»

روایت‌گر واقعیت‌های اجتماع هستم

گفت‌وگو با بهروز شعبی، کارگردان «روز بلوا»

تنوع ژانر را دوست دارم

محسن چگینی، تهیه‌کننده «خوب بد جلف ۲: ارتش سری»

حضور پیمان قاسم‌خانی رمز موفقیت ماست

پژمان جمشیدی از تجربه بازی در «خوب بد جلف ۲» می‌گوید

بازی کمدی راه رفتن بر لبه تیغ است

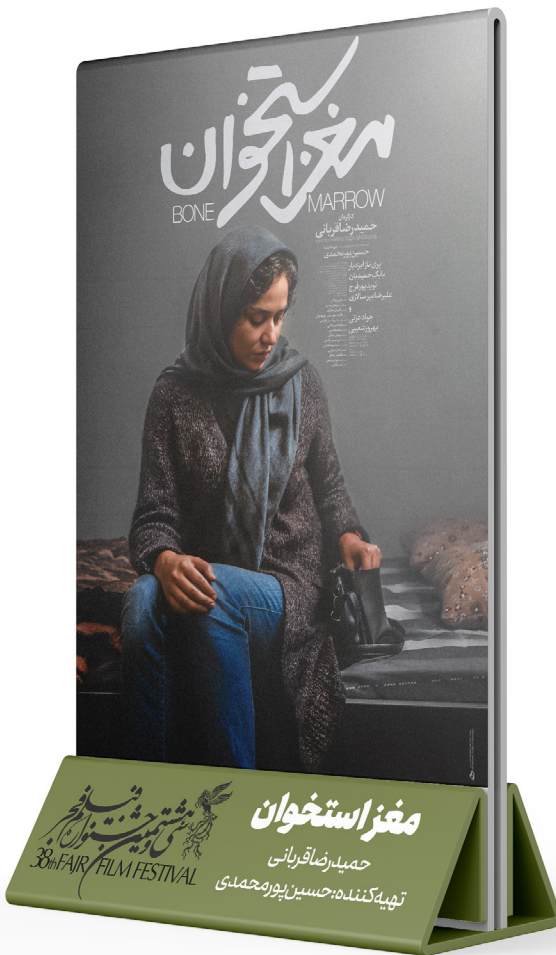




گفت‌وگو

فصلنامه

روایت‌های مجازی آسی و هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم فجر



عوامل

فیلمنامه‌نویس: علی زرنگار، مدیر فیلمبرداری: مرتضی قیدی،
چهره‌پرداز: محمود دهقانی، طراح صحنه: امیرحسین قدسی،
طراح لباس: هدی میرزایی، تدوین: هایده صفی‌یاری، مریم نراقی،
صداپرداز: وحیدمقدسی، صداگذار: امیرحسین قاسمی، موسیقی:
بابک میرزاخانی، عکاس: امید صالحی
بازیگران: پریناز ایزدیار، جواد عزتی، بهروز شعبانی، بابک حمیدیان،
نویدپور فرج

خلاصه داستان

الان مسئله چیه؟! می‌خواهین بگین قانون نیست؟! یعنی
اینجا همه چی همیشه قانونی اتفاق می‌افته؟! همه‌مون
درستیم؟! هیچکی هیچ غلطی نکرده تا حالا.



گفت‌وگو با حمیدرضا قربانی، کارگردان «مغز استخوان»

روایت‌گر واقعیت‌های اجتماع هستم

فاطمه یاقلم‌نژاد

حمیدرضا قربانی بعد از «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» دومین فیلم سینمایی خود را با نام «مغز استخوان» ساخته است. فیلم نخست او برآمده از دل اجتماع و نشان‌گر دغدغه‌مندی او نسبت به موضوعات اجتماعی و روابط انسانی بود. در فیلم دوم هم قربانی چنین مسیری را پیش گرفته است و از حال و روز آدم‌هایی می‌گوید که دنیای پیچیده اطراف زندگی آنان را تحت تاثیر قرار داده است.

و قابل لمس باشند.

بنابراین کاملا وقایع اطراف، روابط بین انسان‌ها و مشکلات و آسیب‌هایشان را پی‌گیری می‌کنم و تلاش می‌کنم اگر قرار است یک سوژه و مشکل در فیلمم نشان داده شود، کاملا با منطق و استدلال باشد تا برای بیننده‌ای که آن فیلم را می‌بیند، قابل درک و باورپذیر باشد.

امسال خیلی فیلم‌ها را در سینمای رسانه می‌بینیم که فیلم‌های تلخی بودند و به نظر می‌رسد سینمای ما به سمت تلخی بیشتر رفته است. این تلخی در شرایطی که مردم در جامعه شرایط چندان خوبی هم ندارند، قرار است چه کاری برای مردم انجام دهد؟

وقتی در جامعه با مردم هستیم، این تلخی را به‌وضوح می‌بینیم. من به عنوان یک فیلم‌ساز اجتماعی روایت‌گر واقعیت‌های اجتماع هستم و وظیفه دارم مسائل و مشکلات مردم را به‌درستی روایت کنم. دوست ندارم فیلم سیاه و بدون امید بسازم. من در فیلم‌هایم در کنار نمایش تلخی‌ها، روابط انسانی را به عنوان ابزاری برای گذر از بحران‌های زندگی نشان می‌دهم. در هر دو فیلم من، شخصیت‌های قصه در پیچیده‌ترین و تلخ‌ترین شرایطی هم که قرار گرفته‌اند، سعی می‌کنند رفتاری انسانی و اخلاقی بروز دهند.

آقای قربانی! شروع کار شما با سوژه‌های اجتماعی بود، در فیلم «مغز استخوان» هم سراغ سوژه‌ای اجتماعی رفتید. چه شد که این بار هم یک سوژه اجتماعی را انتخاب کردید؟

از زمان دانشجویی با توجه به رشته تحصیلی‌ام، که علوم اجتماعی بود، علاقه‌مند به این نوع سینما بودم. هم‌نظین کار به عنوان دستیار با آقای اصغر فرهادی در انتخاب این نوع سینما تاثیر زیادی روی من گذاشت. این دلایل در کنار دغدغه‌های اجتماعی که خودم دارم، باعث شد سراغ سوژه اجتماعی بروم.

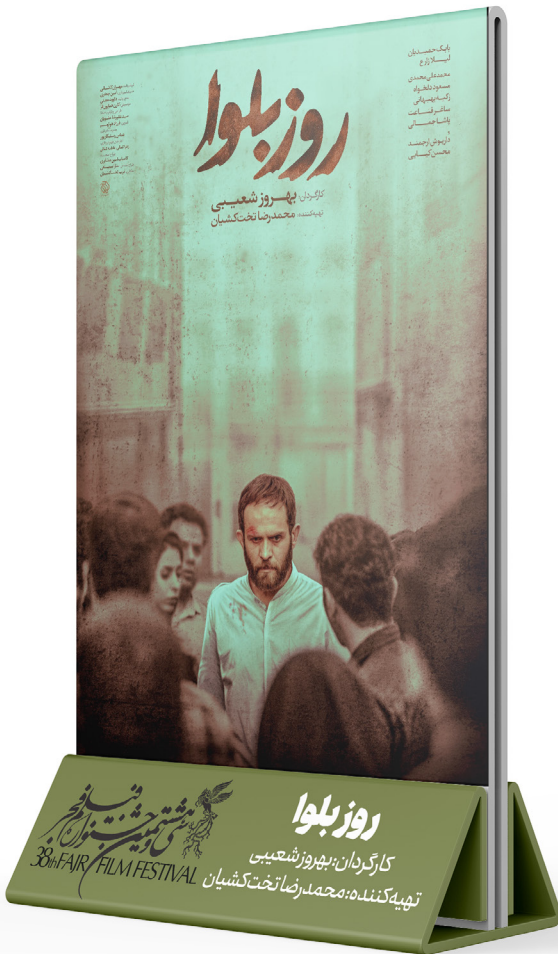
چرا روابط بین انسان‌ها برایتان جذاب بود؟

در حقیقت روابط و رفتار انسان‌ها در شرایط پیچیده و تحت تاثیر انتخاب‌هایشان برای من جذاب است.

آقای فرهادی به عنوان کارگردانی که شما سال‌ها با او کار کرده‌اید، می‌گویید سوژه‌هایشان را از بین آدم‌های اطرافشان مردم را به‌درستی روایت کنم. دوست ندارم فیلم سیاه و آدم‌های اطرافتان چقدر روی سوژه‌هایتان تاثیر دارند؟

کسانی که فیلم اجتماعی می‌سازند، باید نظاره‌گر اتفاقات پیرامون خود باشند. مثلا اگر در مترو یا تاکسی نشستند و اتفاقی رخ می‌دهد، آن را با دقت رصد کنند تا زمانی که وارد فضای قصه می‌شوند، سوژه‌ها و کاراکترها برای آن‌ها واقعی





عوامل

فیلمنامه‌نویس: مهران کاشانی، مدیر فیلم‌برداری: امین جعفری، چهره‌پرداز: زهرا کمالی، فاطمه کمالی، طراح صحنه: کامیاب امین عشایر، طراح لباس: نازنین سمعی، تدوین: فرامرز هوتهم، صداپرداز: عباس رستگاری‌پور، صداگذار: علی علویان، جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقابگ، جلوه‌های ویژه بصری: حسن پیلهور، عکاس: مریم‌تخت‌کشیان
بازیگران: بابک حمیدیان، لیلازار، داریوش ارجمند

خلاصه داستان

عماد استاد دانشگاهی خوش‌نام و یک چهره تلویزیونی مورد توجه است. او ناگهان از سوی نیروهای امنیتی با اتهام‌هایی جدی روبه‌رو می‌شود که خود و خانواده‌اش را در موقعیت‌های پیچیده قرار می‌دهد.

گفت‌وگو با بهروز شعبی، کارگردان «روز بلوا»

تنوع ژانر را دوست دارم

نژاد بیگانگان

بهروز شعبی مسیری متفاوتی را در کارگردانی فیلم‌هایش داشته و به موضوعات اجتماعی در آثارش پرداخته. او حتی خودش بر این باور است که در «سیانور» که به زعم خیلی‌ها اثری سیاسی است، نگاهی اجتماعی داشته است. شعبی در چهارمین فیلم سینمایی‌اش موضوع مفاسد اقتصادی را دست‌مایه قرار داده تا همراه با جریان جامعه حرکت کند. این کارگردان در گفت‌وگو با نشریه روزانه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر از جزئیات تازه‌ترین فیلمش گفته است.

■ شما در فیلم اول و سومتان سراغ موضوعات اجتماعی رفتید که از دل جامعه برآمده‌اند و این تم در این دو فیلم بسیار پررنگ بود. در «سیانور» سینمایی سیاسی را تجربه کردید. کدام‌یک از این دو مسیر را در «روز بلوا» ادامه دادید؟ رویکرد اجتماعی ماحصل زندگی ما در زمانه خودمان است. به نظرم ما جنسی از سینما را انتخاب می‌کنیم تا بتوانیم حرف‌هایی از دوره خودمان را بگوییم. حداقل برای من این چنین است و می‌خواهم حرف‌هایی را از دوره خودم بگویم. از طرفی وظیفه ما در سینما این است که پیش‌گیری، گوشزد یا سوالی را مطرح کنیم. با همین تعریف «روز بلوا» را هم یک اجتماعی می‌دانم. این فیلم موضوعی اجتماعی دارد و در زمانه ما می‌گذرد، با این تفاوت که موضوعی که انتخاب کردیم، مطرح کردنش احتیاج به لحن جدیدتری نسبت به گویش من در زبان سینما داشت.

■ جدای از این فیلم، اساساً سینمای مورد علاقه خودتان کدام است؟ این‌که در کارهایتان رویکرد اجتماعی داشته باشید، یا دوست دارید تنوع ژانر را در فیلم‌هایتان دنبال کنید؟ با این‌که «روز بلوا» یک فیلم اجتماعی است، اما شیوه من این نیست که بگویم فقط دوست دارم در یک مسیر حرکت کنم. من تنوع ژانر را خیلی دوست دارم، کما این‌که قبل از این‌که فیلم سینمایی بسازم، تعدادی فیلم تلویزیونی ساخته بودم که در همه آن‌ها هم این موضوع رعایت شده بود. هر کدام از آن فیلم‌ها فضایی متفاوت داشت؛ فیلم کودک، فیلمی با فضای کمدی، حتی برای این‌که بخواهم حرفم را کمی راحت‌تر بگویم، در شبکه نمایش خانگی سریال «گلشیفته» و سریال «برده‌نشین» را هم برای تلویزیون ساختم.

■ پس با وجود رویکرد اجتماعی که در «روز بلوا» دنبال کردید، می‌گویید این فیلم گویشی جدید نسبت به فیلم‌های قبلی‌تان دارد؟

بله، صددرصد، لحنی که شاید تا حدودی با «دهلیز» و «دارکوب» متفاوت باشد. فیلم «سیانور» هم همان‌طور که خودتان اشاره کردید، در یک بازه زمانی که مربوط به تاریخ معاصر بود، ساخته شد. پس قاعدتاً تکلیف و نوع چالشی که



فصلنامه

گفت‌وگو



بخش مجاری آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر



من با این فیلم داشتم، با سه فیلم دیگر متفاوت است.

■ در یک اثر اجتماعی دغدغه‌های شخصی کارگردان در ساخت فیلم و پرداختن به موضوعی که مدنظرش است، چقدر می‌تواند نقش داشته باشد؟

به نظرم خیلی زیاد، اما این را که فضای سینما چقدر به من به عنوان یک فیلم‌ساز اجازه دهد، به طرف ژانرهای دیگر بروم، نمی‌دانم. من به عنوان کسی که سعی می‌کنم در حرفه خودمان تجربه‌هایی داشته باشم، درگیر یک‌سری موضوعات می‌شوم. البته من معتقدم ما شاید جزو کشورهایی باشیم که کسانی که در آن کار تالیفی می‌کنند، کاملاً از بدنه جامعه می‌شوند. حالا نمی‌دانم این مسئله از مسائل اقتصادی نشئت می‌گیرد، یا به جایگاه کسانی که کار تالیفی می‌کنند، برمی‌گردد، یا حتی دلیل دیگری دارد. این افراد همه در بطن جامعه قرار دارند، یعنی اگر مسئله اقتصادی پیش می‌آید، آن‌ها درگیر می‌شوند. اگر مسئله اجتماعی رخ دهد، آن‌ها دغدغه‌اش را پیدا می‌کنند. معمولاً در خیلی از کشورهایی که هنر و هنرمندان به لحاظ جایگاه و موقعیت اقتصادی در یک مرتبه قرار می‌گیرند، برای این‌که از مسائل جامعه درک عمیق‌تری وجود داشته باشد، کارگروهی متشکل از فیلم‌نامه‌نویسان، مشاوران و کسانی که کارهای اجتماعی می‌کنند، در کنار آن‌ها قرار می‌گیرند و مشورت می‌دهند. اما در ایران نزدیکی هنرمند با بطن جامعه باعث می‌شود ما با موضوعات اجتماعی ارتباط کاملاً

نزدیکی داشته باشیم. به همین دلیل قاعدتاً دغدغه‌های من خیلی از دغدغه‌های روز متفاوت نیست. البته به این مسئله باید شرایط سنی را هم اضافه کرد. خود من احساس می‌کنم در هر مقطعی و در هر سن و سالی که قرار دارم، نوع دغدغه‌هایم شکل جدیدتری به خود می‌گیرد.

■ در طول این سال‌ها چه در زمان جشنواره و چه در طول سال و اکران عمومی فیلم‌های زیادی را با موضوعات اجتماعی می‌بینیم؛ آثاری که فضا و قصه‌شان برگرفته از مسائل روز جامعه است. زاویه‌دید شما به مسائل اجتماعی چه وجه تمایزی دارد که به عنوان امضای خودتان برای مخاطب روشن باشد؟

من به عنوان یکی از اعضای گروه وقتی فیلم می‌سازم، با تعریف آکادمیک و کلاسیک آن کاری ندارم. اعتقاد من این است که آن چیزی که به عنوان واژه مولف به کار می‌بریم، فیلترش دانش و سلیقه کارگردان است. اگر من راجع به این مسئله تصمیم‌گیری کنم، قاعدتاً ممکن است بخشی از فیلمی که ساختم، ساختگی باشد و مخاطب با آن ارتباط برقرار نکند و حتی یک بخشی از آن برای خود من هم از یک مهندسی بیاید که رابطه حسی من را با آن کم کند. به همین دلیل فکر می‌کنم وجه تمایز یا امضا برای کارگردانی که لفظ مولف را دربارهاش به کار می‌بریم، همان چیزی است که مربوط به نوع سلیقه، دانش، پیشینه و فرهنگش است و همین مسئله خودش قاعدتاً تفاوت به وجود می‌آورد. یعنی اگر یکی از دوستان من





موضوع قصاص موضوعی بحرانی بود. زمانی هم که «سیانور» را ساختیم، این جنس فضای تاریخ معاصر تجربه نشده بود. الان هم در «روز بلوا» احتیاج به یک روایتی داشتیم که موضوع مدنظرمان را درست پرداخت کنیم که بشود به یک شکل دیگری از روایت با زبانی متفاوت برای گفتن این موضوع برسیم.

■ **با توجه به این که گفتید فیلم زبانی صریح دارد، با چالش خاصی هم مواجه بودید؟**

من تجربیاتی داشتم و در حال حاضر هم تلاش می‌کنم مرزهایی را که می‌شود حرف‌هایم گفته شوند ولی دچار ممیزی نشوند، یاد بگیرم.

■ **این یعنی خودسانسوری؟**

به هیچ وجه! من خودم از قبل این مهندسی را می‌کنم که چگونه می‌شود یک بحران اجتماعی را بگویم، ولی همین مسئله ایجاد التهاب نکند. بیش از این که آن مسئله و موضوع فضای ملتهبی را به وجود بیاورد، دوست دارم سوال برانگیز باشد و در ذهن مخاطب پرسش ایجاد کند.

■ **محور قصه «دهلیز» قصاص بود، «روز بلوا» چه محوری را دنبال می‌کند؟ موضوع «روز بلوا» به طور کلی مفاسد اقتصادی است؛ مسائلی که باید مراقبت‌هایی از آن‌ها بشود.**

که هم نسلم است، فیلم اجتماعی‌اش را با یک نگاه می‌سازد، فرم و روایت او برگرفته از جنس فضای پیرامونش است؛ فضایی که به آن فکر می‌کند، و نگاه من هم مربوط به فضای، یعنی اطراف و ذهنم است، یعنی همان چیزی که به آن فکر می‌کنم.

■ **اگر موافق باشید، درباره «روز بلوا» و جزئیاتش بیشتر صحبت کنیم. این فیلم چه درون‌مایه‌ای دارد؟**

«روز بلوا» فیلمی اجتماعی است که زبانش یک مقدار صریح است و این زبان صریح حداقل در مقایسه با کارهای خودم متفاوت است. من فکر می‌کردم این موضوع باید به زبان تصویر دربیاید و به همین دلیل به طرحی رسیدیم و روی این طرح زمان زیادی گذاشتیم. از زمانی که این طرح شکل گرفت، تا موقعی که به یک فیلمنامه تبدیل شد، بارها بازنویسی‌های متعددی روی آن انجام دادیم و الان هم خیلی مایلیم این فیلم را در فضای گسترده‌تر و با مخاطب بینم. حتی در انتخاب بازیگران، شکل و ساختار هم همان‌طور که همیشه تلاش کردم، هدفم این بوده که به تکرار نرسم و سعی کردم فضای متفاوتی را تجربه کنم.

■ **در واقع منظورتان این است که سیر تنوعی را که در فیلم‌های قبلی‌تان داشتید، در «روز بلوا» هم در ابعاد مختلف حفظ کردید؟**

بله، واقعیت این است که وقتی من «دهلیز» را می‌ساختم،





عوامل

فیلمنامه‌نویس: پیمان قاسم‌خانی، مدیر فیلم‌برداری: حسین جلیلی، چهره‌پرداز: عباس عباسی، طراح صحنه: آیدین ظریف، طراح لباس: رعنا امینی، تدوین: میثم مولایی، صداپرداز: داریوش صادق‌پور، صداگذار: فرامرز ابوالصدق، موسیقی: امیر توسلی، جلوه‌های ویژه میدانی: ایمان کریمیان، جلوه‌های ویژه بصری: وحید قطبی‌زاده، اشکان چگینی، عکاس: کوروش جوان بازبگران: سام درخشانی، پژمان جمشیدی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا، فرهاد آبیض، گوهر خیراندیش، مارال فرجاد، شکیب شجره

خلاصه داستان

سام و پژمان بار دیگر در فیلمی هم‌بازی می‌شوند، اما در پشت پرده اتفاقات مرموزی در جریان است.



گفت‌وگو با پیمان قاسم‌خانی، کارگردان «خوب بد جلف ۲: ارتش سری»

فیلم‌های جدی‌ام در راه‌اند

نژاد پیکانین

پیمان قاسم‌خانی یکی از محبوب‌ترین و برجسته‌ترین نویسندگان ژانر کمدی در دو دهه اخیر در ایران است که فیلمنامه‌هایش اقبال عمومی را در پی داشتند و حالا هم که وارد عرصه کارگردانی شده، موفقیت‌هایش را تکرار می‌کند. او امسال با قسمت دوم فیلم «خوب بد جلف» در جشنواره فجر حضور دارد و البته خبر تازه‌ای هم برای مخاطبان دارد؛ ساختن قسمت سوم «خوب بد جلف» که به‌زودی محقق می‌شود. قاسم‌خانی می‌گوید موفقیت در ژانر کمدی فرمول خاصی ندارد، اما قطعاً برای خودش رمز و رازهایی هست که او را تا این اندازه موفق کرده است. به بهانه نمایش «خوب بد جلف ۲» گفت‌وگویی با پیمان قاسم‌خانی داشتیم و درباره این فیلم و البته ژانر کمدی با او گپ زدیم.

غیرکمدی بیشتر از آثار کمدی است. اما در میان همان تعداد فیلم کمدی هم شاید به‌سختی بتوان فیلم کمدی به معنای واقعی و با تعریف درست و استانداردش را پیدا کرد. از نگاه شما به عنوان یک فیلمنامه‌نویس کمدی موفق، ویژگی کمدی خوبی که بتواند در کنار فروش خوب، سلیقه مخاطب را نازل نکند، چیست؟

فرمولی مشخص برای این مسئله وجود ندارد، ولی همه به دنبال همین موضوع هستند؛ این‌که چه ویژگی‌ای تماشاگر را جذب می‌کند. کمدی ژانری است که به‌سادگی می‌تواند به سمت ابتذال بغلتد و ابتذال شاید تا حدی برد داشته باشد، ولی به نظر هم‌ان‌طور که در درازمدت ثابت شده است، مردم آن را پس می‌زنند، چراکه سلیقه‌ها پیشرفت می‌کند و جلو می‌رود، به خصوص حالا که مردم به فیلم‌ها و سریال‌های خوب دنیا دسترسی دارند و به همین دلیل به راحتی به دیدن

سال‌های زیادی است که بار کمدی در سینما و تلویزیون روی دوش شماسمت و بسیاری از کارهای موفق‌ی که در مقاطع مختلف نوشتید، مورد توجه قرار گرفته و هنوز هم در ذهن‌ها مانده‌اند. چه ویژگی خاصی وجود دارد که کمدی‌های شما تکراری نمی‌شوند و همیشه برگ برنده‌ای برای رو کردن دارید که مخاطب را جذب کنید؟

این حرف را که به حساب تعارف می‌گذارم. اما واقعیت این است که من به خودم سخت می‌گیرم و اولین چیزی را که به فکرم می‌رسد، نمی‌نویسم و تحویل نمی‌دهم. هم‌چنین تلاش می‌کنم سینما و کمدی روز دنیا را بشناسم و در کارم درجا نزنم و خودم را تکرار نکنم.

در سینما در کنار فیلم‌های کمدی تعداد زیادی اثر در ژانرهای دیگر ساخته می‌شوند. قطعاً در طول اکران سالانه و زمان جشنواره فیلم فجر تعداد آثار اجتماعی یا فیلم‌های





می‌کند؟ یعنی دوست دارید زمانی که حال خودتان با شرایط هم خوانی ندارد، از فضای کمدی فاصله بگیرید و سراغ ژانر دیگری بروید؟

بله، من دست‌وپای خودم را در این زمینه نیستم. من در این مدت کمدی‌هایی را کار کردم، اما داستان‌هایی هم دارم که دوستشان دارم و کمدی هم نیستند. مثلاً یک فیلم ترسناک و چند داستان جدی دارم. زمانی که کارهایی که الان رویشان متمرکز هستم و کار می‌کنم، تمام شوند، سراغ آن‌ها می‌روم و جدی‌ترین کارهایم را راه‌اندازم.

■ **مخاطب در «خوب بد جلف ۲» چه فضایی را می‌بیند؟ فارغ از این که قسمت دوم را ادامه قسمت قبلی بدانیم، چه روایت متفاوتی را در این فیلم شاهد هستیم؟**

«خوب بد جلف ۲» ادامه آن داستان نیست و حتی فکر می‌کنم در زیرژانر هم بتوان تفاوت‌هایی بین این دو پیدا کرد. «خوب بد جلف ۱» به نوعی پارودی سینمای کارآگاهی بود، اما «خوب بد جلف ۲» بیشتر کمدی اکشن است و قسمت سوم این فیلم هم که در راه است، به پارودی سینمای جاسوسی نزدیک است. داستان در «خوب بد جلف ۲» کامل نمی‌شود تا وارد قسمت سوم شویم و آن را به سرانجام برسانیم.

■ **مخاطب برای تماشای «خوب بد جلف ۳» باید تا جشنواره سال آینده منتظر بماند؟**

نه، ما قصد داریم اگر مشکلی پیش نیاید، در بهار فیلم را بسازیم و تابستان یا پاییز آن را اکران کنیم.

■ **شنیده‌هایی به گوش می‌رسید مبنی بر این که در «خوب بد جلف ۲» شخص دیگری هم به عنوان کارگردان در کنار تان حضور داشت. این قضیه درست است؟**

بله، ما جز از این قرار است که «خوب بد جلف ۲» کارگردانی دو نفره داشته و من به همراه محسن چگینی که تهیه‌کننده کار نیز هست، آن را کارگردانی کردیم. اما وقتی بعد از کارگردانی به وزارت ارشاد رفتیم و ما جزا را گفتیم، به ما اعلام کردند که باید از قبل این موضوع را اطلاع می‌دادیم و به همین دلیل نام محسن چگینی به عنوان کارگردان در فیلم نیست، ولی می‌خواهم همه جا نام او نیز به عنوان کارگردان نوشته شود. اما در «خوب بد جلف ۳» نام او را در تیتراژ در کنار من خواهید دید.

هر کمدی پیش‌پاافتاده و دمه‌های رضایت نمی‌دهند. شاید برخی از کمدی‌هایی که ما می‌بینیم، لزوماً مبتذل نباشند، ولی کهنه هستند و با زمان پیش نرفته‌اند. با زمان جلو رفتن و شناختن مخاطب امروز و تفاوتش با مخاطب ۵ یا ۱۰ سال پیش امتیازی است که شاید بتوان گفت تفاوت کمدی‌ها را رقم بزند.

■ **نکته مهمی که درباره سینمای کمدی وجود دارد، این است که فضای جامعه ما آن قدر غمبار است که گاهی جایی برای خندیدن و دنبال فیلم کمدی رفتن و تماشای آن باقی نمی‌ماند. البته در مقابل مخاطبانی هم هستند که اتفاقاً دوست دارند در همین شرایط هم فیلم کمدی ببینند تا شاید حالشان خوب شود. به نظرتان با وجود این که مردم جامعه ما الان چندان دل خوش نیستند، ژانر کمدی هنوز هم به شکل واقعی و نه فقط در ظاهر و برای لحظاتی گذرا محبوبیت عمومی خودش را دارد؟**

من می‌خواهم این موضوع را کلاً درباره سینما بگویم و نه فقط ژانر کمدی. در واقع فکر می‌کنم مردم در این روزهای سخت حال و حوصله‌ای برای سینما رفتن ندارند. این را می‌توان از فروش فیلم‌ها و درصد نسبتاً محدودی از مردم که به سینما می‌روند، فهمید. کمدی هم به تبع همین ماجرا محبوبیتش کمتر شده. من هم که الان کمدی می‌نویسم، آدم ۱۰ یا ۱۵ سال پیش نیستم. روحیه خودم هم همان قدر متفاوت، خسته و دل‌زده است که مردم هستند. اما نکته این جاست که الان من همین را بلدم. قبلاً می‌گفتم وقتی از در خانه بیرون می‌آیم، آن قدر همه چیز به نظرم کمدی است که هر آن چه را که بقیه تلخ می‌بینند، من کمدی می‌بینم. اما الان که به شرایط نگاه می‌کنم، همه چیز ابزورد است و من خودم هم دیگر متوجه نقاط کمدی‌اش نیستم. باین حال، کمدی‌ام را می‌نویسم. شاید اگر کمدی‌های الان هم می‌فروشند، به این دلیل است که مردم می‌خواهند مفری پیدا کنند و برای دو ساعت هم که شده، دنیای بیرون را فراموش کنند. همان‌طور که زمان رکود بزرگ اقتصادی آمریکا فیلم‌های کمدی و موزیکال خیلی پر فروش بودند و دوران اوج فیلم‌های موزیکال آمریکا آن مقطع بود. فکر می‌کنم در کشور ما هم الان شرایط به همین گونه است. به هر حال موضوعی که من از اطرافیانم شنیدم، این است که آن حجم از سپاهی را که در آن زندگی می‌کنیم، لاقال اطرافیان و دوستان من دوست ندارند در سینما ببینند.

■ **بعضی از فیلم‌سازها و فیلم‌نامه‌نویسان بر این باورند که دغدغه‌های شخصی و حال روحی‌شان در نوشتن یا فیلم ساختنشان تأثیر دارد و بر همین اساس هم کار می‌کنند. این موضوع درباره شما هم صدق**





پژمان جمشیدی از تجربه بازی در «خوب بد جلف ۲» می‌گوید

بازی کمدی راه رفتن بر لبه تیغ است

پژمان جمشیدی از ابتدای ورودش به عرصه بازیگری ثابت کرد بازیگر توانمندی است و با وجود همه موضع‌گیری‌هایی که درباره‌اش وجود داشت، هم‌چنان به تلاشش در این مسیر ادامه داد و نتیجه‌اش هم فیلم‌های پرمخاطبی است که او بازی کرده و بر محبوبیتش افزوده. او امسال در جشنواره سی‌وهشتم فجر با دو فیلم «خوب بد جلف ۲» و «دوزیست» حضور دارد؛ دو فیلم در دو ژانر متفاوت که نشان می‌دهد جمشیدی هم‌چنان برای تجربه‌های جدید و نو تلاش می‌کند. او در گفت‌وگو با نشریه روزانه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر از تجربه «خوب بد جلف ۲» می‌گوید.

اما معتقدم اگر هم قسمت دوم فیلمی ساخته می‌شود، قطعاً باید کیفیت خیلی بهتری نسبت به قسمت اول داشته باشد.

توقع‌ها از کمدی «خوب بد جلف» بالاست. آیا گروه با چنین نگرانی‌ای مواجه بود یا نه؟

قسمت یک «خوب بد جلف» کمدی شکلی و شریفی بود و همان‌طور که اشاره کردید، قطعاً توقع از «خوب بد جلف ۲» نیز بالاست. من هنوز فیلم را ندیده‌ام و نمی‌توانم قضاوت کنم، اما حتماً کارگردان و تهیه‌کننده و همه ما هم که در فیلم همکاری داشتیم، به این موضوع فکر می‌کردیم که از لحاظ کیفی کار در سطح خوبی باشد، که مخاطب را با در نظر گرفتن همین قضیه که انتظار و توقع بیشتری دارد، راضی کند.

فکر می‌کنید سینمای کمدی این روزها چقدر بتواند به کمک فضای جامعه بیاید؟

کمدی شاید بتواند حال مردم را بهتر کند، البته ممکن است کل آدم‌هایی که یک فیلم را در سینما می‌بینند، یک یا دو میلیون بیشتر نباشند، که برای یک جامعه ۸۰ میلیونی عدد قابل توجهی نیست. اما باز هم می‌تواند تاثیر خودش را داشته باشد. به طور کلی سینما بر شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه تاثیر می‌گذارد و کمدی هم می‌تواند در کنار این تاثیر، حال مردم را تا حدودی خوب کند.

آقای جمشیدی! برای ایجاد نوآوری، زمان بازی در فیلمی که بخش دوم یک اثر است، چه شیوه‌ای را انتخاب کردید؟

به‌هرحال من به عنوان یک بازیگر که مدام سعی می‌کنم خودم را در بازیگری به‌روز کنم، همه تلاشم را می‌کنم که در کاری که بازی می‌کنم، خودم را تکرار نکنم و این یعنی در بازی‌ام نوآوری به خرج می‌دهم. اما این را که این اتفاق به شکل درستش افتاده است یا نه، خودم نباید قضاوت کنم و این موردی است که منتقدان و مخاطبان باید درباره‌اش نظر بدهند.

اصلاً به نظر شما سینمای ایران چقدر قابلیت ساخت فیلم‌های چند قسمتی را دارد؟

به نظرم ژانر کمدی قابلیت ساخت فیلم‌های چند قسمتی را دارد. در این چند سال فیلم‌هایی مثل «نهنگ عنبر» یا «تگزاس» را داشتیم که به نظر من قسمت دومشان حتی از قسمت اول بهتر هم بوده. به‌خصوص «تگزاس ۲» که به عقیده من از قسمت اول بهتر بود و بازخوردهای مخاطبان نیز همین موضوع را نشان می‌داد. اما باز هم ساخت دوم یک فیلم به مسائل زیادی بستگی دارد و از همه مهم‌تر این که باید کششی در قصه وجود داشته باشد. از طرف دیگر، باید لزوم این اتفاق هم باشد. شاید من خودم چندان طرفدار دنباله‌سازی نباشم.





محسن چگینی، تهیه‌کننده ((خوب بد جلف ۲: ارتش سری))

حضور پیمان قاسم‌خانی رمز موفقیت ماست

((خوب بد جلف ۲)) امسال تنها کمدی جشنواره است که پیمان قاسم‌خانی به همراه محسن چگینی همکار و دوست قدیمی‌اش کارگردانی کرده‌اند. همچنین چگینی در مقام تهیه‌کننده در این فیلم حضور دارد.

چه وجه اشتراکی شما را این همه سال کنار هم نگه داشته و باعث شده به همکاری‌تان ادامه دهید؟
 رفاقتی که با هم خارج از قاعده کار داشتیم، تاثیر زیادی در استمرار ارتباطمان داشته و مهم‌تر از آن این که ما زبان یکدیگر را در کار می‌فهمیم و به کار یکدیگر اعتقاد و اعتماد داشتیم و داریم. ضمن این که به اعتقاد من پیمان بهترین نویسنده در حوزه کارهای کمدی در ایران است و باز هم به نظر من بهتر از او نداریم. همه این موارد باعث نزدیکی ما و منجر به همکاری‌هایی شده که مخاطب تاکنون دیده است. این نقاط اشتراک باعث شده ما نیز در تمام این سال‌ها با هم کار کنیم و نتیجه همکاری‌هایمان هم کارهایی شده که از نظر مخاطب خوب بوده‌اند.

■ شما در مقام تهیه‌کننده معمولاً با یک تیم ثابت کار می‌کنید؛ تیمی که همکاری‌هایش جواب داده. این کنار هم بودن در این سال‌ها بطور اتفاق افتاده و دوام آورده و هم‌چنین باعث شده نتیجه‌اش را مخاطب ببیند و با آن ارتباط برقرار کند؟

شروع کار من و پیمان به سریال «پاورچین» برمی‌گردد. بعد از آن سریال‌های «شب‌های برره»، «مسافران» و بعد ما هم «ساختمان پزشکان» را با هم کار کردیم. از آن به بعد ما همیشه با هم در یک تیم کار کردیم، چراکه فضای ذهنی‌مان به هم نزدیک است و می‌دانیم از یکدیگر چه می‌خواهیم.

■ به نظرتان تیمی کار کردن چه نقاط ضعف و قوتی دارد و

من کارهایی بدون پیمان هم انجام دادم و به عنوان تهیه‌کننده در آن‌ها حضور داشتم، قطعاً کاری که پیمان در آن نقشی داشته، هر چند کوچک، اثرگذارتر از کاری بوده که او نبوده است

می‌شود، به جنس خود فیلم برمی‌گردد. وقتی تماشاچی به سینما می‌رود و با کمدی مبتذل روبه‌رو می‌شود، توی ذوقش می‌خورد و احساس می‌کند دیگر نباید برای تماشای فیلمی در این ژانر وقتش را هدر دهد. بنابراین کیفیت آثار کمدی هم در این بین مهم است. هر چقدر کیفیت آثار کمدی غنی‌تر و قوی‌تر باشد، طبیعی است که مخاطبان بیشتری را می‌تواند جذب کند و هر چقدر هم سطحی‌تر باشد، مخاطب را از این فضا و ژانر دور می‌کند.

■ دنباله‌سازی در سینمای ایران چندان رایج نیست. حتی در تجربه‌های معدودی که در این زمینه اتفاق افتاده، قسمت دوم فیلم به قسمت اول وابسته بوده است. نظرتان درباره این شیوه چیست و چه روندی را در پیش گرفتید که این اتفاق درباره «خوب بد جلف ۲: ارتش سری» نیفتد؟

قسمت دوم («خوب بد جلف») از نظر قصه و داستان عملاً هیچ ربطی به قسمت اول ندارد. آن قصه تمام شده و قسمت دوم راجع به شخصیت‌های پژمان و سام است با داستان و موقعیتی جدید. اما در «خوب بد جلف ۲» یک تجربه جدید داریم و فیلم واقعا نصفه تمام می‌شود و («خوب بد جلف ۳») باید ساخته شود، چون ادامه قسمت دوم است و با ساخته شدن آن قصه کامل می‌شود.

■ «خوب بد جلف ۲: ارتش سری» امسال تنها کمدی جشنواره است و شما حتما رقابت سختی خواهید داشت. قرار گرفتن در بین فیلم‌های جدی موقعیت رقابت برابری را برای شما فراهم می‌کند؟

به نظرم فرقی نمی‌کند، چون رویکرد جشنواره فیلم فجر در تمام این سال‌ها نشان داده خیلی علاقه‌ای به فیلم‌های کمدی ندارد و مختص فیلم‌های اجتماعی است. اما من معتقدم این روش، روش غلطی است که جشنواره فیلم فجر سال‌هاست آن را ادامه می‌دهد. حتی اگر جشنواره بخواهد جایزه‌ای به یک فیلم کمدی در سال بدهد، باید چند فیلم کمدی را انتخاب کند و از بین آن‌ها حتی اگر شده، یک جایزه به یک فیلم بدهد. چراکه این جایزه در روند ساخت آثار کمدی و کیفیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود کیفیت آثار و سینمای کمدی ما بهتر شود و کسانی که فیلم کمدی می‌سازند، این احساس را نداشته باشند که جشنواره برایشان اهمیتی قائل نیست و فقط به فکر اکران اثرشان باشند. اتفاقاً برعکس تلاش کنند فیلمشان را به جشنواره بدهند. ما هم چون از ابتدا با این رویکرد آشنا بودیم، هیچ نگرانی نداشتیم.

■ به نظر شما این هم که بیشتر کارهایتان مقبول مخاطب بوده، به دلیل حضور پیمان قاسم‌خانی است؟

شک نکنید که این‌طور بوده. من کارهای دیگری بدون پیمان هم انجام دادم و به عنوان تهیه‌کننده در آن‌ها حضور داشتم. اما قطعاً کاری که پیمان در آن نقشی داشته، هر چند کوچک، اثرگذارتر از کاری بوده که او نبوده است. آثاری هم خودش سرپرست گروه بوده و خودش نوشته که کاملاً درجه یک بوده است. اولین نکته‌ای که باعث می‌شود ما با یک کار خوب طرف شویم، فیلمنامه و متن است. متن است که تعیین می‌کند شما با یک کار خوب طرف هستید یا نه. می‌توان بهترین کارگردان را برای بدترین متن انتخاب کرد، اما مطمئناً اتفاق خوبی نمی‌افتد. ولی می‌توانید یک فیلمنامه خوب را به کارگردان متوسط بسپارید و امیدوار باشید فیلم خوبی خواهید داشت. به همین دلیل ریشه دنیای سینما، تلوزیون و کارهای نمایشی در درجه اول متن است و هر جایی که پیمان باشد، شما با یک کار خوب روبه‌رو می‌شوید.

■ فکر می‌کنید با توجه به شرایط جامعه، هم چنان کمدی ژانر محبوب مردم است، یا این‌که جای خودش را به فیلم‌های اجتماعی یا آثاری داده که به مسائل روز و غده‌غده‌های مردم می‌پردازند؟

جذابیت سینما به وجود ژانرهای مختلف است و این‌که شما می‌توانید هر چیزی را که می‌خواهید، رویا کنید. می‌توانیم خیلی رئال و عادی وارد زندگی مردم شویم، می‌توانیم یک فانتزی بسازیم، یا وارد یک فیلم ماورایی شویم. هر چیزی را می‌توانیم تصویر کنیم. اما این‌که این فیلم‌ها چطور ساخته شوند و آن ذهنیت را به مخاطب برگردانند، حرف دیگری است. این‌که فیلم‌های کمدی از اقبال بیشتری برخوردارند، دلیل اصلی‌اش به فضای تلخ جامعه برمی‌گردد. در این شرایط مردم دوست دارند وقتی به سینما می‌روند، یک کار مفرح ببینند، بخندند تا کمی حالشان خوب شود و وقتی از سالن سینما بیرون می‌آیند، حالشان بدتر از قبل نباشد. ولی این موضوع به این معنا نیست که فیلم‌های اجتماعی، آثاری که اکشن خیلی جذابی دارند، یا فیلم‌هایی در ژانرهای دیگر دیده نشوند. ژانر کمدی ممکن است به هر صورت پرمخاطب‌تر باشد، همان‌طور که در همه جای دنیا هم محبوبیت و طرفداران خودش را دارد. اما در سینمای جهان فیلم‌های دیگر ژانرها هم تجاری و بفروش هستند. به همین دلیل نمی‌توانیم بگوییم در ایران سینمای کمدی چون از فروش و اقبال بیشتری برخوردار است، از ژانرهای دیگر استقبال نمی‌شود.

■ یعنی موفقیت هر اثری بسته به ژانر آن نیست، بلکه به کیفیت آن برمی‌گردد. درست است؟

بله، به نظرم از آن جایی که در ژانرهای دیگر ضعف‌هایی وجود دارد و به لحاظ مخاطب‌شناسی یک ژانر خاص ممکن است با خلأهایی مواجه باشد، باعث می‌شود آن ژانرها آن‌طور که باید، مخاطب خودشان را جذب نکنند. فضای کلی جامعه کمدی را دوست دارد، اما این‌که بگوییم همان هم با شکست روبه‌رو





مستند «عالیجناب» به روایت سجاد ایمانی، کارگردان

مستندها به دنبال شکار سیمرغ

گردهمایی بزرگ برای دیدن مستند

جشنواره فیلم فجر به خاطر سابقه‌ای که دارد، مهم‌ترین جشنواره‌ای است که در کشور برگزار می‌شود. از نظر بعد رسانه‌ای، رسانه‌ها جشنواره را دنبال می‌کنند و تماشاگران بسیاری برای دیدن آثار به سالن سینما می‌آیند. این موضوع باعث می‌شود فیلم‌های مستند برای مردم هم به نمایش درآید و در روند نمایش فیلم‌های مستند تماشاگران بیشتری در جریان تولیدات این سینما قرار بگیرند. جشنواره فیلم فجر برای مستند و مستندسازان یک نوع تریبون است تا بتوانند خودشان و اثرشان را معرفی کنند و فیلم‌سازان بتوانند با مخاطبان حرفه‌ای‌تر، یعنی منتقدان و اهالی رسانه، تعامل کنند و فیلم‌هایشان مورد بررسی قرار گیرد. این امر باعث می‌شود جشنواره تبدیل به یک کلاس درس شود و ایرادات واقعی فیلم‌ها را در کنار مخاطب حرفه‌ای‌تر ببینیم.

سیمرغ‌های تاثیرگذار

جوایز مسیر فیلم‌ساز را مستحکم می‌کند و هر فیلم‌سازی هم حتماً برایش مهم است بتواند از جشنواره پراهمیتی چون فجر جایزه بگیرد. سیمرغ بلورین می‌تواند وضعیت کار و مسیر یک فیلم‌ساز را تا حدود زیادی تحت تاثیر قرار دهد. حقیقت این است که سیمرغ جشنواره فیلم فجر برای فیلم‌سازان اعتبار به ارمغان می‌آورد و اتفاقات مثبتی را رقم می‌زند.



سجاد ایمانی، کارگردان جوان فیلم‌های مستند و کوتاه، تا کنون ۱۸ فیلم کوتاه و مستند و یک تله فیلم ساخته است. این کارگردان جایزه بهترین مستند را در جشنواره فیلم کوتاه تهران برای فیلم «جوکر» دریافت کرد. ایمانی امسال با مستند «عالیجناب» در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این فیلم روایت‌گر قصه یک قهرمان سابق بوکس است که در زندگی‌اش با مشکلاتی مواجه می‌شود. «عالیجناب» چهارمین فیلم مستند اوست.

به دنبال یک سوژه جذاب

من به دنبال سوژه‌ای بودم که گذشته‌ای قوی داشته و در حال حاضر دچار بحران و خلل شده است. چون موضوعی که می‌خواستم مورد بررسی قرار دهم، درباره شرافت انسانی و اعتقاد (البته نه فقط به دین، بلکه به جنبه‌های انسانی) بود. به خاطر شرایط کنونی جامعه و وضعیت اقتصادی، خیلی از مشکلات مالی و اختلال - چه اختلال اجتماعی و چه مالی - باعث شده دیوارهای شرافت انسانی کوتاه‌تر شود. دلیل این امر کج‌سلیقگی افراد جامعه است، و در این میان پای همه افراد جامعه گیر است. خیلی از افراد کم‌توان جامعه با کوچک‌ترین مشکل اعتقادشان جابه‌جا می‌شود. جایگاه انسانیت در فکر جابه‌جا و کارهای مغایر با عرف برایشان عادی می‌شود.



فیلم کوتاه «عزیز» به روایت سیدمهدی موسوی، کارگردان

پرداخت به مسائل انسانی فراموش شده

دیده نشده و مهجور شود. البته این خود قدم رو به پیشرفت بزرگی برای سینمای ایران است.

تجربه‌گرایی در فیلم کوتاه

فیلم‌های کوتاه ما هر ساله اتفاق‌های بسیار خوب جهانی را رقم می‌زنند؛ از آن جایی که سینمای کوتاه در دنیا سینمای شناخته شده‌ای است و خیلی از جشنواره‌های معتبر دنیا بهای بسیاری برای فیلم کوتاه قائل هستند، بسیاری از فیلم‌سازان فیلم کوتاه ما هم توانستند در این فستیوال‌های خارجی افتخارآفرین باشند. همین هم‌تراز بودن برخی فیلم‌های کوتاه با استانداردهای فیلم‌های بلند و فیلم‌های جهانی، باعث شده مسئولان نتوانند فیلم کوتاه را حذف کنند، یا نادیده بگیرند. علاوه بر این، ما در فیلم کوتاه (از آن جایی که فیلم کوتاه کم‌خرج‌تر است و امکان ریسک در پرداخت به موضوعات مختلف را به ما می‌دهد) می‌توانیم به موضوعاتی بپردازیم، یا حرف‌هایی را بنویسیم که فیلمان را به سمت و سوی تجربه‌گرا بودن و ژانرهای متفاوت سوق دهد.

«عزیز»: قصه هیاهویی برای هیچ

فیلم «عزیز» فیلم متفاوتی است. یعنی در عین حال که ساده و روان است، به مسائل انسانی فراموش شده‌ای می‌پردازد و بیانشان می‌کند که ممکن است تلنگری باشد به شرایط امروزی ما، زندگی ما با خانواده‌هایمان و مسائلی که شاهدش هستیم.

من در تجربه خود زیسته‌ام این‌گونه مسائل را زیاد در خانواده‌ها دیده بودم؛ یک نوع هیاهو برای هیچ، خانواده‌ای که در آن نقش پدر و مادر گم می‌شود و همه برای رسیدن به منافع شخصی حاضرند دست به هر کاری بزنند و مسائل انسانی را زیر پا بگذارند.

بستر فیلم کوتاه مناسب برای زدن حرف‌های درشت‌تر

موضوعات فیلم کوتاه علاوه بر موضوعات اجتماعی می‌توانند موضوعات شخصی هم باشد؛ ممکن است من برای حرف‌هایی که می‌خواهم بنویسم، فیلم شخصی خودم را بسازم. در فیلم کوتاه من می‌توانم آزادتر و راحت‌تر فکر کنم. و از آن جایی که فیلم کوتاه مخاطب خاص خود را دارد، می‌توانم نگران مخاطب نباشم که آیا این اتفاق برای او در این زمان کوتاه می‌افتد یا نه؟ در ضمن فیلم کوتاه می‌تواند بستری باشد برای زدن حرف‌های درشت‌تر بدون آن‌که نگران باشیم.



چهارچوب گزینش جشنواره فجر

خیلی از فیلم‌های کوتاه از غربال جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشن خانه سینما می‌گذرند و در نهایت به جشنواره فجر می‌رسند. در این غربال‌گری ممکن است تعدادی از فیلم‌ها که در فاصله زمانی این دو جشنواره و جشنواره فجر ساخته شده‌اند، با توجه به این‌که فیلم‌های خوبی هم هستند، امکان حضور در جشنواره فجر را از دست بدهند. این فیلم‌ها باید یک سال برای راه‌یابی به جشنواره فجر صبر کنند. اگر جشنواره فجر با یک هیئت انتخاب مستقل و آزاد فیلم‌ها را، جدا از این دو جشنواره، بررسی و انتخاب می‌کرد، فیلم‌سازان ما می‌توانستند جشنواره فجر را جدی‌تر دنبال کنند.

نقش جشنواره فجر در دیده شدن؛ نمایش

مردمی فیلم‌های کوتاه

سانس‌های نمایش مردمی برای فیلم‌های کوتاه از آن دست اتفاق‌های بسیار خوبی است که هر فیلم‌سازی دوست دارد برای فیلمش رقم بخورد؛ این‌که فیلم کوتاه مانند فیلم‌های دیگر می‌تواند دیده شود، بلایت برایش صادر شود، اسم فیلم روی بلیت‌ها درج شود، با عوامل سازنده‌اش نشست اهالی رسانه داشته باشد و در سالن‌های سینما با مخاطبانش رودررو شود. همه این‌ها نشان از امیدواری دارد؛ امیدواری برای فیلم‌ساز، چون او می‌تواند با مخاطبانش صحبت کند، مخاطبانش و اهالی رسانه فیلمش را نقد کنند. این نقد باعث می‌شود او بتواند کارهای بعدی را بهتر و با انگیزه بالاتری انجام دهد. در ضمن این اتفاق می‌تواند باعث کشف استعدادهای



کمدی‌های محبوب فجر

دو فیلم بایک بلیت

داریوش فرهنگ (جایزه ویژه هیئت
داوران، دیپلم افتخار بهترین فیلم،
سیمرغ بلورین بازیگر نقش اول مرد،
جشنواره نهم)

مهمان مامان

داریوش مهرجویی (سیمرغ بلورین
بهترین فیلم، جشنواره بیست و دوم)

اخراجی‌ها

مسعود ده‌نمکی
(سیمرغ بلورین بهترین فیلم مردمی
جشنواره بیست و پنجم)

آپارتمان شماره ۱۳

بدالله صمدی (سیمرغ بلورین بهترین
فیلمنامه و فیلم، جشنواره نهم)

مارمولک

کمال تبریزی (سیمرغ بلورین بهترین
فیلم از نگاه مردمی، سیمرغ بلورین
فیلمنامه، تقدیر ویژه هیئت داوران بازیگر
نقش اول مرد، جایزه بین‌المللی،
جشنواره بیست و دوم)

آذر، شه‌خت، پرویز و دیگران

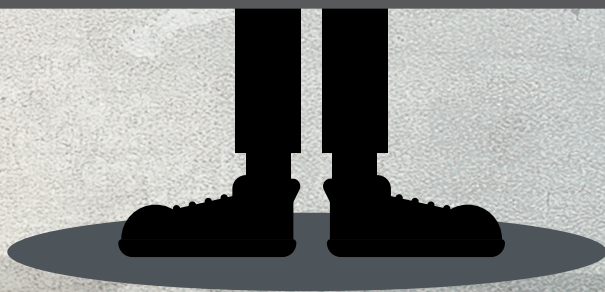
(سیمرغ بلورین فیلم و فیلمنامه
جشنواره سی و دوم)



آژانس شیشه‌ای

شانزد

فیلم‌های کمدی در دهه ۶۰ شانس بیشتری برای کسب جایزه در جشنواره فیلم فجر داشتند و به مرور با بالاتر رفتن سن جشنواره فجر گویا سهم بخش کمدی از جشنواره کمتر شده است.





کدام کمدی‌ها در جشنواره فجر درخشیدند

دوران اوج دهه ۶۰ و افول در دهه ۹۰

جمعیت کمدی‌هایی که در جشنواره فیلم فجر مورد توجه هیئت داوران قرار گرفتند و جوایز مهمی را به دست آوردند، خیلی زیاد نیست؛ در مجموع ۱۹ فیلم سینمایی کمدی در رشته‌های مختلف جشنواره فیلم فجر جایزه‌ای را کسب کرده‌اند. در دهه ۶۰ کمدی‌های بسیار بیشتری ساخته می‌شدند و به تبع کمدی‌های ستایش‌شده فجر هم بیشتر بود. دهه ۷۰ را عبوس‌ترین دهه سینمای ایران می‌توان محسوب کرد که البته به نظر می‌رسد دهه ۹۰ نیز در نهایت کارنامه‌ای همانند دهه ۷۰ داشته باشد.

در ادامه مروری بر این فیلم‌ها و جوایزی که به دست آورده‌اند، صورت می‌گیرد.

دهه ۶۰ و گردهمایی کمدی‌ها

در دهه ۶۰ با این‌که کشور درگیر جنگ ایران و عراق بود، اما فیلم‌سازی در فضای کمدی طرفداران زیادی داشت و از آن‌جا که در آن سال‌ها قانون لزوم نمایش فیلم‌ها در جشنواره فیلم فجر وجود داشت، این کمدی‌ها به جشنواره می‌رسیدند و در ادامه مورد توجه داوران هم قرار می‌گرفتند.

یکی از نخستین کمدی‌هایی که در جشنواره فیلم فجر از آن استقبال شد، «جایزه» به کارگردانی علیرضا داوودنژاد بود که جایزه بهترین فیلمنامه را از جشنواره دوم فجر کسب کرد. این فیلم ماجرای فردی است که بعد از برنده شدن یک هواپیما در قرعه‌کشی بانک در موقعیت کمیک قرار می‌گیرد، که البته سرانجام خوشایندی برای او ندارد.

«مردی که زیاد می‌دانست» به کارگردانی پدالله صمدی در جشنواره سوم فیلم فجر جایزه بهترین کارگردانی را برای صمدی به همراه آورد. در سال‌هایی که شاید جامعه نیاز به فضای شادی هم داشت، جشنواره فیلم فجر جایزه کارگردانی را به سینماگری داد که در ادامه فیلم‌سازی در سینمای کمدی را ادامه داد. صمدی یک سال بعد «اتوبوس» را ساخت و برای این فیلم جایزه ویژه هیئت داوران بهترین فیلم را دریافت کرد. هم‌چنین این فیلم لوح زرین بازیگر مرد را هم دریافت کرد.

یکی از درخشان‌ترین کمدی‌های سینمای ایران («آچاره‌نشین‌ها») به کارگردانی داریوش مهرجویی است. فیلمی که بعد از این همه سال هم چنان پرطرفدار است و مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در جشنواره پنجم سهم زیادی از جوایز نداشت. این فیلم در آن دوره از جشنواره سیمرغ بلورین صدارت‌داری را کسب کرد.

ابراهیم وحیدزاده در ششمین دوره جشنواره فیلم فجر «تحفه‌ها» را ارائه کرد. این فیلم کمدی با بازی سعید پورصمیمی توانست سیمرغ بلورین بازیگر مکمل مرد جشنواره ششم را برای این بازیگر به ارمغان بیاورد. وحیدزاده در این فیلم به نوعی با تغییر موقعیت شخصیت اصلی داستان زمینه طنز را فراهم کرده بود.

دومین فیلم سینمایی رخشان بنی‌اعتماد «زرد قناری» است که در هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. این



دوازدهمین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بازیگر نقش اول زن و صداپرداری را کسب کند و در بخش فیلمنامه هم مورد تقدیر هیئت داوران قرار گیرد. اولین بار که کارگردانی تصور کرد می‌تواند با لحنی کمدی در مورد جنگ و جبهه صحبت کند، مربوط به سال ۱۳۷۴ و فیلم «لایلی یا من است» است. کمال تبریزی در این فیلم قصه فیلم‌برداری را مطرح می‌کند که راهی جبهه می‌شود و حضور او در جبهه موقعیت‌های کمدی را به وجود می‌آورد. بازی پرویز پرستویی در این فیلم دیپلم افتخار بازیگر نقش اول مرد را برای او به همراه داشت و هم‌چنین فیلمنامه این اثر عنوان بهترین فیلمنامه را از آن خود کرد.

دهه ۸۰ و جان تازه‌ای در رگ کمدی‌ها

کمال تبریزی در دهه ۸۰ هم دست به یک «اولین» دیگر زد و در فیلم «مارمولک» شخصیتی را که لباس روحانیت بر تن داشت، در موقعیت کمدی قرار داد. این فیلم در بیست‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه مردمی، سیمرغ بلورین فیلمنامه، تقدیر ویژه هیئت داوران بازیگر نقش اول مرد و جایزه بین‌المللی در دریافت کرد. پرویز پرستویی با بازی در نقش رضا مارمولک در این فیلم به چنان محبوبیتی دست یافت که تا سال‌ها با این نقش از او صحبت می‌شد.

«همان مامان» به کارگردانی داریوش مهرجویی در روزهای پایانی بیست‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و مخاطبانی که فرصت کردند در روزهای پایانی نمایش فیلم‌ها در جشنواره به تماشای این اثر بنشینند، با آن خندیدند و همراه اندوه آن آه کشیدند. فیلم مهرجویی توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره بیست‌ودوم را کسب کند.

مسعود دهنمکی با ساخت «اخراجی‌ها» در دو دوره از جشنواره فیلم فجر جایزه گرفت. هر چند این جایزه از اعتراض‌های او نسبت به داوران کم نکرد. دهنمکی سیمرغ بلورین بهترین فیلم مردمی جشنواره بیست‌ونهم را با «اخراجی‌ها» گرفت و فیلم «اخراجی‌ها ۲» جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره بیست‌وهفتم را برای او به همراه داشت.

در دو دوره پشت هم جشنواره فیلم فجر، یعنی دوره‌های بیست‌وهشتم و بیست‌ونهم، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن به بازیگران دو فیلم کمدی تعلق گرفت. لایلا حاتمی در سال ۱۳۸۷ برای بازی در «بی‌پولی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله موفق به کسب اولین سیمرغ بلورین خود از جشنواره فجر شد و یک سال بعد ویشکا آسایش برای بازی در «رود آقایان ممنوع» رامبد جوان سیمرغ بلورین گرفت.

دهه ۹۰ و باز هم کم‌فروغی کمدی‌ها

در دهه ۹۰ کمدی‌ها، مانند دهه ۷۰ چندان شانس‌ی در فجر نداشتند. «خوابمیداد» به کارگردانی رضا عطاران توانست سیمرغ بلورین بهترین کارگردان فیلم اول جشنواره سی‌ام را برای عطاران به همراه بیاورد. «آذر، شاهدخت، پرویز و دیگران» ساخته بهروز افخمی هم فیلم محبوب داوران در جشنواره سی‌ودوم بود و سیمرغ بلورین فیلم و فیلمنامه را برای این اثر به همراه داشت.



فیلم نه تمام و کمال، اما دارای لحظاتی کمدی است و بازی در آن توانست سیمرغ بلورین بازیگر نقش مکمل مرد را برای محمود جعفری در پی داشته باشد.

«دو فیلم با یک بیت» ساخته داریوش فرهنگ را نمی‌توان یک کمدی تمام عیار دانست. در اصل فیلمی کمدی-اجتماعی است. این فیلم در نهمین دوره جشنواره فیلم فجر مورد توجه هیئت داوران قرار گرفت و جایزه ویژه هیئت داوران، دیپلم افتخار بهترین فیلم و سیمرغ بلورین بازیگر نقش اول مرد را کسب کرد.

«سایه خیال» به کارگردانی حسین دلیر در جشنواره دیپلم افتخار بازیگر مرد، سیمرغ بلورین جلوه‌های ویژه، جایزه بهترین فیلم اول و دوم را به دست آورد؛ فیلمی که فضای آن از کمدی دور نیست. «آپارتمان شماره ۱۳» با بازی علی‌رضا خرمه و به کارگردانی بدالله صمدی یک کمدی تمام و کمال است. این فیلم سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و فیلم جشنواره نهم را به دست آورد تا دهه ۶۰ با توجه همه‌جانبه جشنواره فیلم فجر به یک فیلم کمدی به پایان برسد.

دهه ۷۰ و برهوت کمدی

«دیگه چه خبر» به کارگردانی تهمینه میلانی زمانی ساخته شد که هنوز سینما در حال هوای دهه ۶۰ بود. میلانی در این فیلم قصه زنی دانشجویی را مطرح می‌کند که برخی رفتارهای او موجب بروز مشکلاتی برایش می‌شود. هر دو بازیگر نقش اول و مکمل زن این فیلم در جشنواره دهم مورد تقدیر داوران قرار گرفتند.

در میان فیلم‌های کمدی سینمای ایران، «همسر» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده هم از آثار قابل توجه است. این فیلم کمدی که بیان‌گر موقعیت جدید زنان در جامعه ایرانی بود، موفق شد در

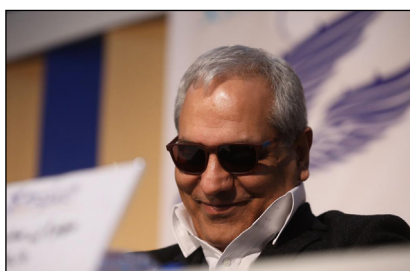
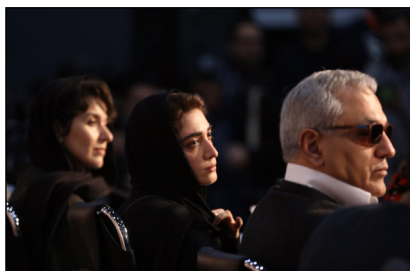
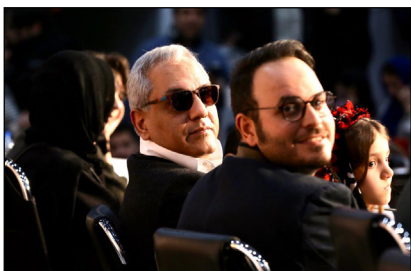




نشست خبری فیلم آن شب



نشست خبری فیلم درخت گردو



نشست خبری فیلم دوزیست



آتلیه فجر



فصلنامه

گزارش تصویری

پوشش مجاری آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

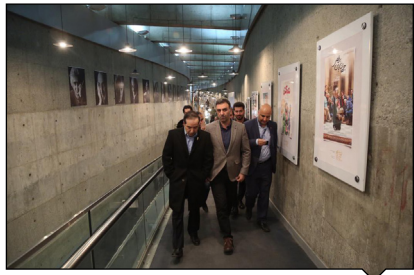
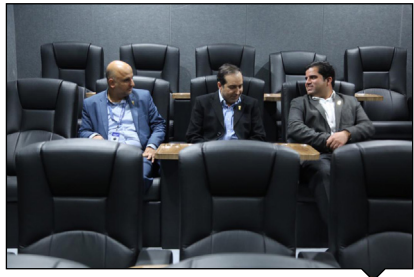
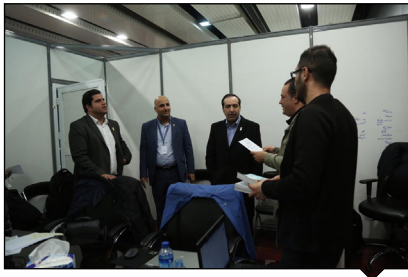




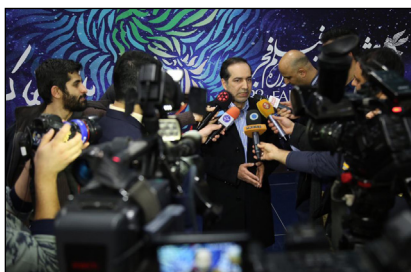
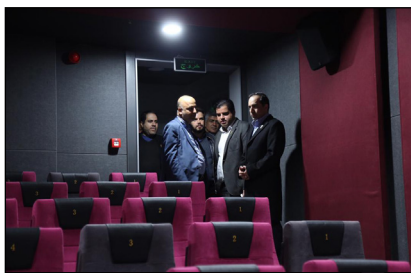
آتلیه فجر



بازدید رئیس سازمان سینمایی از سینمای اهالی رسانه



بازدید رئیس سازمان سینمایی از سینمای اهالی رسانه



در حاشیه



پوشش مجازی سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

فصلنامه
گزارش تصویری

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجله نامه

پولین میازوس و هشتمین جشنواره فیلم فجر
شماره پانزدهم - چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۸

